



عشای ربانی

سرچشمه زندگی کلیسا



بخش اول این کتاب ترجمه ای است از:
les dossiers de la Bible
L'Eucharistie
Jan. 1992 No 41

بخش اول

راز قربانی مقدس

مقدمه

خوب به خاطر می آورم که اولین بار کلمهٔ EVKHARISTO را که واژه ای متداول برای سپاسگزاری و تشکر است از زنی نانا در دهکده ای در شمال یونان شنیدم. تعجبی که در اثر شنیدن این کلمه در چنان وضعیتی و از زبان چنین شخصی به من دست داد مرا به تفکر واداشت. به راستی که راز قربانی مقدس، سپاسگزاری باشکوه مسیح و نیز تمام کلیسا از پدر است. مسیحیان طی قرون متمادی عناوین مختلفی از قبیل پاره کردن نان، سپاسگزاری، رازها، قربانی مقدس، عشای ربانی، شام آخر، آیین نیایش الهی و غیره برای اشاره به یگانه شام خداوند که هر یکشنبه آن را برپا می دارند برگزیده اند.

این مراسم به هر شکل و هر زبانی که باشد باز هم یادآور آخرین شام عیسی احتمالاً در یکی از شبهای ماه مارس سال ۳۰ میلادی در اورشلیم است. آیا می دانید که این روایت کهن ترین روایتی است که حتی پیش از نوشته شدن اناجیل به رشته تحریر درآمده است؟ در ضمن تنها روایتی از زندگانی عیسی است که پولس رسول در اولین نامهٔ خود به قرننتیان در سال ۵۵ آن را نقل کرده است. جای خوشوقتی است که مسیحیان قرننثس مراسم قربانی مقدس را چنان که باید و شاید برگزار نمی کردند! چون به همین دلیل است که پولس آنچه را خود در سال ۴۰ در دمشق آموخته بود و طی اولین اقامتش در قرننثس به سال ۴۹ به آنان نیز تعلیم داده بود یادآوری می کند. بسیاری از شما خوانندگان عزیز در آیین نیایش کلیسای خود شرکت می کنید. هدف این کتاب تازه کردن و عمیق تر کردن برداشت ما از راز قربانی مقدس با مطالعهٔ کتاب مقدس می باشد.

صفحه

بخش اول : راز قربانی مقدس

مقدمه	۳
از شادمانی تا پرستش	۴
نان در عهد عتیق	۸
عیسی بر سر سفره	۱۵
نان حیات در انجیل یوحنا	۱۹
شام آخر	۲۴
قربانی مقدس مسیحیان اولیه	۲۸
کتب مقدسه و شام عیسی	۳۱
سرچشمه های راز قربانی مقدس	۳۴
گروههای مطالعاتی کتاب مقدس	۳۹
یادداشتهایی برای تعمق - تکوین راز قربانی مقدس	۴۲

بخش دوم : نان قربانی مقدس مظهر کلیسا

مقدمه	۴۴
قسمت اول : عید گذر در کتاب مقدس	۴۵
قسمت دوم : نان مقدس در زندگی کلیسا	۵۰
قسمت سوم : روح القدس و آیین نیایش	۵۸

از شادمانی تا پرستش صرف غذا در عهد عتیق

«شادمانی را مدح کردم زیرا که برای انسان زیر آسمان چیزی بهتر از این نیست که بخورد و بنوشد و شادی نماید و این در تمامی ایام عمرش که خدا در زیر آفتاب به وی دهد در محنتش با او باقی ماند» (جا ۸: ۱۵). جامعه که مردی حکیم بود در حضور خالق خویش آواز شادمانی سر می دهد و بر سر سفره بودن را بهترین لحظه زندگی می نامد.

شادی بر سر سفره بودن

در ایام سختی همه کس ارزش نان را که خوراک اصلی اکثر مردم است بهتر می فهمد. در چنین زمانی بشر زندگی محقرانه ای دارد. زندگی وابسته به بارندگی است و در صورت خشکسالی، گرسنگی و قحطی همه جا را فرا می گیرد. زمین دیگر مناسب کشت و زرع نخواهد بود: «تمام ایام عمرت از آن با رنج خواهی خورد» (پید ۳: ۱۷) و گاه زندگی روزمره نیز عذاب آور می شود، نظیر بیوه زن صرّفه ای که جز آخرین قرص نان چیزی برای خود و پسرش نداشت: «بخوریم و بمیریم» (۱- پاد ۱۷: ۱۲).

مردمان دوران کتاب مقدس در چنین وضعیتی در رؤیای غذایی شاهانه بودند؛ گرچه به آن دسترسی نداشتند اما در تصورات خود جایگاهی خاص به آن می دادند. ارمیا می گوید: «غله و شیر و روغن و نتاج گله و رمه روان خواهند شد و جان ایشان مثل باغ سیراب خواهد شد» (۱۲: ۳۱). اشعیا وعده ملکوت آسمانی را در قالب ضیافت اعلام می کند: «بیهو صبايوت در این کوه برای همه قومها ضیافتی از لذایذ برپا خواهد نمود یعنی ضیافتی از شرابه‌های کهنه از لذایذ پرمغز و از شرابه‌های کهنه مصفا» (۶: ۲۵). از آنجا که بقای فرد یا جمع بستگی به تغذیه دارد این عمل مفهومی

فراتر از اهمیت زیست شناختی خود می یابد. هر غذایی علاوه بر بُعد ماوراء الطبیعی دارای ارزشی مذهبی نیز هست.

شادی با هم بودن

آنچه در زندگی روزمره بنی اسرائیل اهمیت داشت جنبه خانوادگی صرف غذا بود: «پسرانت مثل نهالهای زیتون گرداگرد سفره تو» (مز ۱۲۸: ۳). صرف شام مهمترین وعده غذایی بود که تمام خانواده را دور هم گرد می آورد. گاه زمان صرف غذا به درازا می کشید و به زمانی برای ایجاد روابط اجتماعی تبدیل می شد. مثلاً در موقع صرف غذا پیمانی همانند پیمان اسحق و ایبملک یا یعقوب و لایان بسته می شد (پید ۲۶: ۳۰، ۳۱: ۵۴). معمولاً هنگام صرف غذا روی حصیر یا پوست حیوانی چمباتمه می زدند و هر کس با انگشتان خود از ظرفی مشترک غذای خود را برمی گرفت. بزرگان به دور میزی می نشستند یا حتی بر نیمکتهایی دراز می کشیدند که سرزنش و تندی عاموس نبی نیز از همین رسوم ناشی می شود: «بر تخته‌های عاج می خوابید و بر بسترها دراز می شوید... اما به جهت مصیبت یوسف غمگین نمی شوید» (عا ۴: ۶).

با هم بودن بر سر سفره باعث می شود جای خالی فقرا را بیشتر احساس کنیم و بدانیم که ایشان را نیز باید بر سر سفره خود داشته باشیم. صرف غذا در همه حال باید نوعی شراکت باشد. برای مثال رسم مهمان نوازی ایجاب می کند مسافر در حال گذر را حتی اگر غریبه باشد دعوت کنیم. همانگونه که ابراهیم در بلوطستان ممری و لوط در سدوم این کار را کردند (پید ۱۸: ۱-۸، ۱۹: ۱-۳). هنگامی که غذایمان را به این شکل تقسیم می کنیم هرکس به اندازه کافی سهم می برد؛ بیهو ای که از ایلیا پذیرایی می کرد با شگفتی به این راز پی برد (۱- پاد ۱۷: ۱۳-۱۶).

آداب غذا خوردن

بن سیراخ از آداب مناسب و شایسته غذا خوردن که در تمام فرهنگها یافت می شوند یاد می کند: «اگر بر سر سفره بزرگی نشینی حلقومت را بر آن مگشای... آنچه تو را تعارف کرده باشند چون آدمی بخور... سیری ناپذیر مباش و اگر در میان

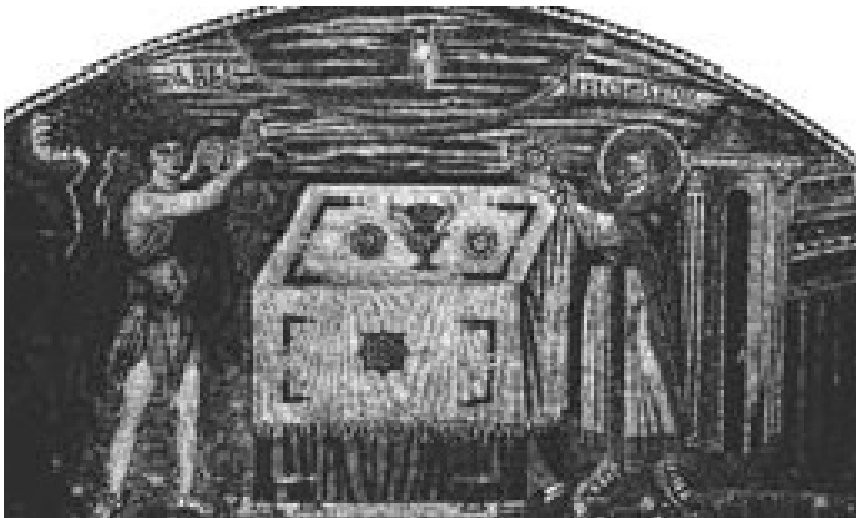
جمع کثیری نشسته‌ای پیش دیگران دست دراز مکن... با شراب از در شجاعت وارد نشو!» (بنسی ۳۱:۱۲-۳۲، ۱۳). اما قوانین دیگری نیز هست که خوردن برخی چیزها را منع می‌کند. اینها قوانین طهارت یا به قول یهودیان دستورات خوراک‌های «کاشر» هستند. کاهنان اورشلیم به محض تبعید به بابل فهرست حیوانات ناپاک را ارائه دادند (لاو ۱۱)، حیواناتی چون شتر، خرگوش، خوک و حیوانات دریایی بی فلس و غیره... ما که از این ممنوعیتها آزادگشته‌ایم به سختی می‌توانیم این منطق را بپذیریم و در جستجوی علل بهداشتی هستیم در حالیکه یهودیان به صرف اطاعت از خدا تمام این قوانین را پذیرفتند. اگر آنها قوانین و دستورات مربوط به طهارت را ارج می‌نهادند برای نزدیک شدن به قدوسیت خدا بود: «خود را تقدیس نمایید و مقدس باشید زیرا من قدوس هستم» (لاو ۱۱:۴۴-۴۵).



دو صحنه از داستان ابراهیم برای مسیحیان یادآور ویژگیهایی از قربانی مقدس هستند: مهمان‌نوازی وی نسبت به سه مسافر در بلوطستان مری بیانگر مشارکت در زندگی تثلیث مقدس و قربانی اسحاق نشان دهنده عطیه پسر توسط پدر به انسانهاست. موزاییک بیزانتینی، قرن ۱۱

آنچه آشامیده و خورده می‌شد

آب، در صورتی که مناسب باشد و نیز شراب و شیر.
غلات که غذای اصلی را تشکیل می‌دهند: نان از جو یا گندم و گاهی نیز از ارزن تهیه می‌شود. خوشه و سنبل گندم بو داده را نیز می‌توان خورد.
سبزیجات: پیاز، سیر، خیار، عدس، خربزه و هندوانه، فلفل، لوبیا و نخود.
ادویه‌جات: نعناع، رازیانه، زیره، دارچین، زیره سیاه، خردل، زیتون، روغن زیتون و نمک بحرالमित.
میوه‌ها: انگور، انجیر، انار، سیب، خرما، گردو، بادام، و پسته.
گوشت: گاو و گوساله، گوسفند و بره، بز، مرغ و گوشت شکار، ماهی بخصوص ماهی اطراف دریاچه جلیل.
و نیز: تخم مرغ، عسل، کره و پنیر



دو صحنه دیگر از سپاسگزاری: هدیه هابیل عادل و قربانی ملکی صدق پادشاه-کاهن

نان در عهد عتیق

۱- نان برادران

* بعد از مراجعت ابرام از شکست دادن کدراً لعمر و ملوکی که با وی بودند، ملک سدوم... به استقبال وی بیرون آمد و ملک‌یصدق ملک سالیم نان و شراب بیرون آورد و او کاهن خدای تعالی بود و او را مبارک خوانده گفت: مبارک باد ابرام از جانب خدای تعالی مالک آسمان و زمین و متبارک باد خدای تعالی که دشمنانت را به دست تو تسلیم کرد و او را از هر چیز ده یک داد (پید ۱۴: ۱۷-۲۰).

* بعد از «به عرق پیشانیت نان خواهی خورد» (پید ۳: ۱۹)، کلمه نان برای دومین بار در پایان روایت جنگی دیده می شود که طی آن ابرام برادرزاده اش لوط و پادشاه سدوم را رها می کند. پادشاهی دیگر، پادشاه سالیم (اورشلیم آینده داود) به استقبال ایشان می آید و نان و شراب بیرون می آورد. بدین طریق ملک‌یصدق (یعنی پادشاه من عدالت است) از عدالت و صلح بین مردم تجلیل می کند و از آنجا که کاهن خدای تعالی است حرکتش مفهوم دیگری نیز به خود می گیرد؛ مفهوم برکت برای ابرام به خاطر برقراری صلح و نان با شراب معرف خدا در میان اقوام برادر می باشد.

* چون چشمان خود را باز کرده برادر خود بنیامین پسر مادر خویش را دید گفت آیا این است برادر کوچک شما که نزد من ذکر او را کردید و گفت ای پسر من خدا بر تو رحم کند و یوسف چونکه مهرش بر برادرش بجنید بشتافت و جای گریستن خواست پس به خلوت رفته آنجا بگریست و روی خود را شسته بیرون آمد و خودداری نموده گفت طعام بگذارید (پید ۴۳: ۲۹-۳۱).

بنی اسرائیل از میان همین برادران آشتی کرده سربرمی آورند: قوم در میان ملل به خدا شهادت می دهد.

* کسی آمده برای مرد خدا خوراک نویر یعنی بیست قرص نان جو و خوشه ها در کیسه خود آورد پس او گفت به مردم بده تا بخورند. خادمش گفت اینقدر را چگونه پیش صد نفر بگذارم او گفت به مردمان بده تا بخورند زیرا خداوند چنین می گوید که خواهند خورد و از ایشان باقی خواهد ماند. پس پیش ایشان گذاشت و به موجب کلام خداوند خوردند و از ایشان باقی ماند (پاد ۴: ۴۲-۴۴).

۲- نان توشه راه

* این متن از گرده های نانی سخن می گوید که خمیر آنها توسط سارا تهیه و برای ایلیا بر روی سنگهای داغ پخته شد. این نان دربردارنده ارزش خاصی است یعنی زمانی که برای تهیه آن اختصاص یافته، زمانی که به شخص میهمان تخصیص داده شده است و معنی آن قربانی کردن یا تقدیم وقت است و توسط همین قربانی حقیقتاً رابطه برقرار می شود: «آنان خوردند». در کتاب خروج از نان بدون خمیرمایه یعنی فطیر سخن گفته می شود.

* ابراهیم ناگاه چشمان خود را بلند کرده دید که اینک سه مرد در مقابل او ایستاده اند و چون ایشان را دید از در خیمه به استقبال ایشان شتافت و رو به زمین نهاد و گفت: «...لقمه نانی بیاورم تا دلهای خود را تقویت دهید و پس از آن روانه شوید زیرا برای همین شما را بر بنده خود گذر افتاده است. گفتند آنچه گفتی بکن. پس ابراهیم به خیمه ساره شتافت و گفت: «سه کیل از آرد میده بزودی حاضر کن و آن را خمیر کرده گرده ها بساز!» (پید ۱۸: ۱-۶).

* گوشت را در آن شب بخورند، به آتش بریان کرده با نان فطیر و سبزیهای تلخ آن را بخورند... فرعون موسی و هارون را در شب طلبیده گفت برخیزید و از میان قوم من بیرون شوید هم شما و جمیع بنی اسرائیل و رفته خداوند را عبادت نمایید چنانکه گفتید... و قوم آرد سرشته خود را پیش از آنکه خمیر شود برداشتند و تغارهای خویش را در رختها بردوش خود بستند... از آرد سرشته که از مصر بیرون آورده بودند قرصهای فطیر پختند زیرا خمیر نشده بود چونکه از مصر رانده شده بودند و نتوانستند درنگ کنند و زاد سفر نیز برای خود مهیا نکرده بودند (خروج ۸:۱۲، ۳۱، ۳۴، ۳۹).

* ایلینا سفر یک روزه به بیابان کرده... زیر درخت اردجی نشست و برای خویشتن مرگ را خواسته گفت: ای خداوند بس است جان مرا بگیر زیرا که از پدرانم بهتر نیستم و زیر درخت اردج دراز شده خوابید و اینک فرشته ای او را لمس کرده به وی گفت برخیز و بخور. چون نگاه کرد اینک نزد سرش قرصی نان بر ریگهای داغ و کوزه ای آب بود پس خورد و آشامید و بار دیگر خوابید و فرشته خداوند بار دیگر برگشته او را لمس کرد و گفت برخیز و

خمیر ساده ترین غذایی بود که باشتاب تهیه می شد چرا که فوریتی در راه بود همانگونه که برای ابراهیم فوریتی در کار بود: «ساره، زود باش!» درست مثل ایلینا در صحرا که مرگ را طلب می کرد. فوریت به ما می فهماند که مسئله مرگ و زندگی در کار است. خوردن همواره مبارزه علیه تهدید گرسنگی و مرگ بوده است.

* عبرانیان در هنگام خروج از بردگی به سوی آزادی بیرون می آیند. نان بی خمیرمایه نشانه امکان نجات از بردگی برای «خدمت» خدا در صحراست. ابراهیم و ایلینا نیز خود را «خادم» می خوانند. نان تهیه، آورده و داده می شود. نان راه به بنی اسرائیل قوت می دهد همانطور که به ایلینا قوت داد و برای آنان امکان طی طریق تا انتهای مسیر، به سوی آن که می خواهند ملاقاتش نمایند فراهم می کند. این نان، نانی است که ابراهیم و ساره آن را می دهند و ایلینا آن را دریافت می دارد، نان آزادی و نان ملاقات.

بخور زیرا که راه برای تو زیاده است. پس برخاسته خورد و نوشید و به قوت آن خوراک چهل روز و چهل شب تا حوریب که کوه خدا باشد رفت (۱-پاد ۱۹: ۴-۷).

۳- نان آسمانها

* تمامی جماعت بنی اسرائیل در آن صحرا بر موسی و هارون شکایت کردند... «کاش در زمین مصر بدست خداوند مرده بودیم وقتی که نزدیک دیگهای گوشت می نشستیم و نان را سیر می خوردیم زیرا که ما را بدین صحرا بیرون آوردید تا تمامی این جماعت را به گرسنگی بکشید»... خداوند موسی را خطاب کرده گفت همانا من نان از آسمان برای شما بارانم... در عصر گوشت خواهید خورد و بامداد از نان سیر خواهید شد تا بدانید که من یهوه خدای شما هستم. و واقع شد که در عصر سلوی برآمده لشکرگاه را پوشانیدند و بامدادان شبنم گرداگرد اردو نشست و چون شبنمی که نشسته بود برخاست اینک بر روی صحرا چیزی دقیق مدور و خورد مثل ژاله بر زمین بود و چون بنی اسرائیل این را دیدند به یکدیگر گفتند این من است زیرا که ندانستند که چیست. موسی به ایشان گفت این آن نان است که خداوند به شما می دهد تا بخورید (خروج ۱۶: ۲-۳، ۱۱-۱۵).

* این روایت کتاب خروج روایتی اساسی است و بارها بازخوانی و تفسیر شده است. قوم واحه ایلیم را که در آنجا به اتحاد و همبستگی دست یافته بود به سوی صحرای سینا ترک می کند و در لحظه ای باز به موسی شک می برد و از ترک کردن مصر که آن را در تصورات خود مطلوب خویش می دانست پشیمان می شود. خدا مستقیماً پاسخ می دهد: «اینک من». به ناگاه مفهوم آنچه متعاقباً داده می شود روشن می گردد: خدا نزدیک می شود، پس موسی قوم را فرامی خواند: «به حضور خداوند نزدیک بیایید زیرا که شکایتهای شما را شنیده است!» و قوم بار دیگر به سوی خدا برمی گردد.



* نان از آسمان برای گرسنگی ایشان دادی و آب از صخره برای تشنگی ایشان جاری ساختی (نح ۹: ۱۵).

* نزدیک شویم چرا که او در این عطیهٔ رایگان و تمام و کمالی که از آسمانها می‌آید به ما نزدیک می‌شود. این نانی است که نه از زمین بلکه از آسمانها می‌آید. باری آسمان اصل مسلم و در عین حال دور و نزدیکی است که ما را به خدا ارجاع می‌دهد. من، نان آسمانی، نشانه‌ای است که خدا توسط آن خود را به قومش می‌دهد. عطائی که پاسخ به یک شکایت است، در واقع رفع اتهام از خود و نسبت دادن آن به شخص شاکی است، نوعی شفقت یعنی عطایی فراسوی عطا و نشان دهندهٔ محبتی است که علی‌رغم هر چیز خواهان حیات بشر می‌باشد.

* من را بر ایشان بارانید تا بخورند. غلهٔ آسمان را بدیشان بخشید. مردمان نان زورآوران را خوردند و آذوقه‌ای برای ایشان فرستاد تا سیر شوند (مز ۷۸: ۲۴-۲۵).

۴- نان و کلام

* او تو را ذلیل و گرسنه ساخت و من را به تو خورانید که نه تو آن را می‌دانستی و نه پدرانت می‌دانستند تا تو را بیاموزاند که انسان نه به نان تنها زیست می‌کند بلکه به هر کلامی که از دهان خداوند صادر شود انسان زنده می‌شود (تث ۸: ۳).

* گوش داده از من بشنوید و چیزهای نیکو را بخورید تا جان شما از فرهی متلذذ شود. گوش خود را فراداشته نزد من بیایید تا جان شما زنده گردد بشنوید... و چنانکه باران و برف از آسمان می‌بارد و به آنجا بر نمی‌گردد بلکه زمین را سیراب کرده آن را بارور و برومند می‌سازد و برزگر را تخم و خورنده را نان می‌بخشد؛ همچنان کلام من که از دهانم صادر گردد خواهد بود. نزد من بی‌ثمر برنخواهد گشت بلکه آنچه را که خواستم به جا خواهد آورد و برای آنچه فرستادم کامران خواهد گردید (اش ۵۵: ۲، ۱۰-۱۱).

* تمام متونی که از معجزات صحرا سخن می‌گویند من را نانی می‌دانند که از آسمان آمده، همان گونه که در انجیل یوحنا نیز عیسی در مورد خود چنین می‌گوید: «زیرا که نان خدا آن است که از آسمان نازل شده به جهان حیات می‌بخشد» (۳۳: ۶).

* عیسی، کلمه خدا نامیده شده است و می‌تواند بگوید که «من نان حیات هستم»؛ در واقع رابطه نزدیکی بین کلام و نان وجود دارد. این رابطه در متون تاریخی عهد عتیق (تث ۸)، در متون نبوتی (اش ۵۵) و در متون حکمت (حک ۱۶) نشان داده شده است. هدف دو متن اخیر از روایات مذکور، یادآوری به انسان است. اما چرا باید به یاد آورد؟ تا انسان قلباً دریابد (تث ۸: ۲؛ حک ۱۶: ۲۶، ۲۸) که تشنه خداست و این تشنگی را کلام خداوند رفع می‌کند. بنی اسرائیل از طریق صحرا، گرسنگی و طی طریق به شناخت آن که او را حیات می‌بخشد نائل می‌شود و در این فراگیری تبدیل به قوم می‌شود. از نان تا کلام و از کلام تا نان مسیری الزامی و متقابل وجود دارد. آیا ترتیب راز قربانی مقدس ما نیز به همین منوال نیست و آیا طی این راز ما همانطور که سر سفره نان می‌رویم سر سفره کلام نیز نمی‌رویم؟

* به قوم خود طعمای از خوراک فرشتگان خود دادی، نانی آماده در آسمان بدون آنکه آنان خسته گردند، نانی شایسته فراهم آوردن همه خوشبختی‌ها و ارضای همه سلیقه‌هاست. این چنین فرزندان را که دوست داشته‌ای، خدا تعلیم خواهد داد این میوه‌های رنگارنگ نیست که آدمی را روزی می‌رسانند بلکه این سخن توست که کسانی را که به تو ایمان دارند حفظ می‌کند تا بدانند برای سپاسگزاری تو باید بر خورشید پیشی گرفت و با برخاستن روز به دیدار تو شتافت (حک ۱۶: ۲۰، ۲۶، ۲۸)

* سرود اشعیا باب ۵۵ تمام این موارد را در خود خلاصه می‌کند. این سرود با ندای خدا خطاب به مخلوقش شروع می‌شود (همانند حکمت در امث ۹: ۴-۵) و با آرزوی تحقق یافتن «آیت جاودانی» (آیه ۱۳) یعنی آن که کلام و نان است و خوشبختی و شادی برای این خلقت که ما گل سر سبد آن بشمار می‌آییم پایان می‌پذیرد. حضور نان یادآور کلام ادا شده است: وقتی آن دو شاگرد عیسی را باز شناختند جسم نان ناپدید شد، درست به مانند نور خورشید که باقیمانده‌ی من را از بین می‌برد (حک ۱۶: ۲۷). انسان نمی‌تواند نان و کلام را در عین حال داشته باشد اما به وی این امکان داده شده که در توالی کلام و نان به معرفت خدا دست یابد. همه چیز با کلام آغاز شد و می‌تواند در آیین شکستن نان ادامه یابد و از نو آغاز شود

عیسی بر سر سفره

نویسندگان اناجیل نظیر روایات زیادی از ضیافت‌های شام یا نهار که عیسی در آنها شرکت داشته نقل کرده‌اند. حتی بدون ذکر فهرست کاملی از این میهمانی‌ها می‌توان گفت که آنان بر ارتباط نزدیک عیسی با مردم شهادت داده‌اند؛ حضور بر سر سفره برای عیسی فرصت مناسبی بود تا طی تعالیمی نشان دهد که او کیست و خدا کی.

وقتی عیسی بر سر سفره می‌نشیند

اشارات متعدد انجیل نگاران به حضور عیسی بر سر سفره تصادفی نیست. زمان صرف غذا در واقع موقعیتی برای دور هم بودن، صحبت کردن و لذت بردن است... مگر اینکه طی آن فقر با شدت بیشتری احساس شود.

عیسی افراد را دور هم جمع می‌کند: او همانطور که وارد خانه‌های فریسیان و نیز گناهکاران می‌شود به خانه‌ی دوستانش می‌رود! عیسی صحبت می‌کند: وقتی بر سر سفره یک فریسی و سواس یا در منزل باجگیری دزد حضور می‌یابد درواقع گشاده رویی خود را نسبت به همگان نشان می‌دهد. عیسی لذت می‌برد: او دوست دارد در زندگی مردم سهیم شود و برای ملاقات با آنها بدون هیچ تردیدی بر سر سفره آنان حاضر می‌شود. برخی که در رؤیای مسیحی خارق‌العاده بودند او را به خاطر این کار سرزنش کرده حتی او را پرخور و باده‌پرست می‌نامیدند (لو ۷: ۳۴).

روایت سه وعده غذا در اناجیل مرقس و متی

بیشترین روایات در مورد صرف غذا توسط عیسی در انجیل لوقا ذکر شده است. متی و مرقس کم و بیش دقت می‌کردند تا از وعده‌های غذایی سخن گویند که برای جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کردند معنی و مفهوم داشته باشد.

صرف غذا در منزل متی لاوی (مر ۱۵: ۱۵-۱۶؛ مت ۹: ۱۰-۱۱). عیسی پس از دعوت متی باجگیر (یا لاوی در انجیل مرقس) خود را با همراهانش در منزل او و بر

سر سفره اش می یابد و این عمل او باعث خرده گیری می شود. انجیل نگاران بدین ترتیب نشان می دهند که در این دنیا هیچ تجمعی بهتر از تجمع به دور یک سفره وجود ندارد.

تکثیر نانها (مر ۸، ۶؛ مت ۱۴، ۱۵). این دو روایت مختص متی و مرقس هستند. تکرار چنین روایتی با وجود اختلافاتی جزئی بسیار مهم است؛ مسیح که غذای گناهکاران را می پذیرد خود غذایی مسیحایی و ضیافتی واقعی با غذاهای متنوع (ر. ک اش ۶: ۲۵-۸) را ترتیب می دهد. راز قربانی مقدس در همینجا اعلام شده چرا که گروهی کثیر می تواند از هم اکنون در غذایی که عیسی سرپرستی آن را دارد سهیم شود (مت ۱۴: ۱۹).

تدهین در بیت عنیا (مر ۱۴: ۳-۹؛ مت ۲۶: ۶-۱۳). در آخرین غذای عیسی پیش از شام آخر، شخصی فریسی، شمعون ابرص، شاگردان، عیسی و زنی که شیشه عطر گرانمایی را بر سر وی ریخت حضور داشتند. عیسی که اغلب فقرا را با نان و کلام سیر می کرد و شفا می بخشید خود را در اختیار وی گذاشت تا همانند فقری طی این شام تکریم شود: «زیرا که فقرا را همیشه با خود دارید... لیکن مرا با خود دائماً ندارید» (مر ۱۴: ۷).

صرف غذا در انجیل لوقا

از آنجا که برخی از روایات صرف غذا را تنها لوقا حکایت کرده تعداد این روایات در انجیل وی به مراتب بیشتر از انجیل مرقس و متی می باشد. مجموع این روایات امکان بررسی سه محور مهم را فراهم می سازد.

جمع شدن با مردم به هنگام صرف غذا. لوقا بی وقفه بر این تجمع تأکید دارد و در سرتاسر انجیل وی، عیسی با گناهکارانی چون لای (لو ۵: ۲۹) یا زکی (۱۹) بر سر یک سفره نشسته است. عیسی این گناهکاران را به توبه فرا می خواند و نجات را به ایشان اعلام می دارد. اما می توان عیسی را نزد فریسیانی که او را دعوت می کنند نیز یافت (۷: ۳۶؛ ۱۱: ۳۷؛ ۱۴). هر دعوتی برای عیسی موقعیتی مناسب برای تعلیم و توضیح رفتار و روابطش می باشد. بعلاوه هنگام صرف غذا موقعیتی والا برای شفا

بخشیدن است: عیسی در شفای بیماران رحمت و نیکی اش را بروز می دهد (۷: ۴۸؛ ۱۴: ۴).

شادی و خدمت. این دو واژه در انجیل لوقا واژه های کلیدی محسوب می شوند. لای پس از اینکه عیسی وی را به پیروی از خود فراخواند به افتخار عیسی ضیافتی برپا نمود (۵: ۲۹) و زکی با خوشحالی تمام عیسی را در منزلش پذیرفت (۱۹: ۶). شادی آسمانی به هنگام توبه و بازگشت گناهکاران در ضیافتهایی که گناهکاران برای عیسی برپا می کنند دیده می شود.



دعوت عیسی از ذکی، تصویری متعلق به قرن ۱۷

نان حیات در انجیل یوحنا

سنت مسیحی بسیار دوست دارد که یوحنا ی انجیل نگار را با پیاله ای به دست ترسیم نماید چرا که وی را سراینده راز قربانی مقدس می داند. زمانی که یوحنا انجیلش را نگاشت جوامع مسیحی مدتها بود که راز قربانی مقدس را همانند راز تعمید برگزار می کردند و به همین علت بود که ذکر راز قربانی مقدس حتی پیش از روایت شام آخر وارد اناجیل شده است. کلیسا با توصیف عیسی، خود را توصیف می نماید. از طرف دیگر هر کلیسا نیز توسط رازهای هفتگانه طی قرون متمادی در موقعیت اولین شاهدان عیسی شریک می شود.

اشارات...

عروسی در قانا (۱:۲-۱۲)

روایت عروسی در قانا بر شخص عیسی و تغییراتی که آمدن عیسی در میهمانان بوجود می آورد متمرکز شده است. به نظر می رسد جشن و سرور عروسی میان خدا و قوم یهود به هم خورده باشد و احتمال می رفت میهمانی به دلیل نبودن شراب در هیاهو و هرج و مرج به سرآید. تن گیری پسر خدا که با تولد وی از مریم امکان پذیر شد زمانی سرنوشت ساز را مهیا می کند، زمانی که از آن پس، برپایی جشن ممکن می شود. ضیافت به کمک مادر عیسی از سر گرفته می شود. شراب تازه هم از نظر کیفیت («تو شراب خوب را تا حال نگاه داشتی») و هم از نظر کمیّت (حدود ۷۰۰ لیتر) قابل ملاحظه است. علت این زیاده روی در چیست؟ می توان نمونه شراب عشای ربانی را که عیسی برای کلیسایش به جا گذاشت در این نشانه دید، کلیسائی که مسیری بس طولانی را در پیش رو دارد. شخصی می پرسید: «آیا در قانا تمام شراب را نوشیدند؟» نه! چون ما هنوز داریم از همان شراب می نوشیم.

با اینکه گناهکاران یا دوستانی چون مرتا (۴۰:۱۰) عیسی را به میهمانی خود می خوانند اما در پایان کار این عیسی است که همانند خادمی آنان را خدمت می کند. لوقا تنها انجیل نگاری است که می گوید مسیح کسی است که بر سر سفره دیگران را خدمت می کند و نه شخصی که دیگران را به خدمت خود بخواند (۲۷:۲۲). در حالی که مرتا خواهان پذیرایی و خدمت اوست او کلام را برای مریم (۴۰-۳۹:۱۰) و تمام کسانی که مایل به شنیدنش هستند بیان می کند.

خوشا به حال خادمانی که بیدار بمانند! باز لوقا تنها انجیل نگاری است که بازگشت مسیح در پایان زمان را با تصویر میهمانی ای که خود مسیح در آن اشخاص بیدار و منتظر را خدمت می کند بیان کرده است: «خوشا به حال آن غلامان که آقای ایشان چون آید ایشان را بیدار یابد. هر آینه به شما می گویم که کمر خود را بسته ایشان را خواهد نشانید و پیش آمده ایشان را خدمت خواهد کرد» (۳۷:۱۲).

این مژده به خوبی در منطق ضیافتهایی که عیسی با گناهکاران در آنها شرکت داشت تا آنان را به شادی نجات فراخواند دیده می شود. ما می توانیم از هم اکنون با مرقس، متی و لوقا، با شاگردان دیروز و امروز، فقرا، گناهکاران و بیداران در میهمانی قربانی مقدس که عیسی به ما می دهد شرکت جوییم.

آب و خون (۱۹: ۳۴)

تنها یوحنا صحنه نیزه زدن عیسی را بر صلیب روایت می‌کند: آب و خون از پهلوی عیسی جاری شد. «آن کسی که دید شهادت داد و شهادت او راست است». بسیاری از پدران کلیسا در این شهادت، شهادتی دوگانه به آب تعمید و خون قربانی مقدس یافته‌اند. عیسی زندگی خود را بر صلیب تقدیم نمود: جماعت ایمانداران با اتحاد با جسم و خون مسیح این نجات را در ایمان می‌پذیرد.

شستن پاهای شاگردان: باب ۱۳

یوحنا در حالیکه پنج باب از انجیل خود را به نقل روایت شام آخر عیسی با شاگردانش اختصاص داده هیچ سخنی از برگزاری مراسم نان و جام به میان نمی‌آورد، هرچند با مطالعه دقیق باب شش انجیل می‌توان نتیجه گرفت که یوحنا به خوبی از جریان این راز آگاه بوده و احتمالاً به خواست خود در این مورد سکوت کرده است. در عوض توضیح کاملی از روایت شستشوی پای شاگردان داده که به نظر یوحنا به خوبی مفهوم راز قربانی مقدس را توضیح می‌دهد.

در واقع این دو روایت به یکدیگر مرتبط هستند. هر دو روایت طی آخرین شام عیسی با دوازده شاگرد روی می‌دهد. هر کدام از این دو روایت آیینی را به نحوی که مفهوم تازه‌ای به آن می‌دهد نقل می‌کنند (تبرک نان و شراب، شستشوی پاهای شاگردان). عیسی در هر دو مورد خاصان خود را به تکرار این آیین‌ها دعوت می‌نماید (لو ۲۲: ۱۹؛ یو ۱۳: ۱۵). لوقا و یوحنا بلافاصله پس از روایت این وقایع خیانت یهوذا را اعلام می‌کنند (لو ۲۲: ۲۱-۲۳؛ یو ۱۳: ۲۲-۳۰). خطاری که عیسی در لو ۲۲: ۳۱ به پطرس می‌دهد چندان تفاوتی با مقاومت وی در هنگام شستن پاهایش توسط عیسی ندارد. در هر دو مورد موضوع خدمتگزاری مطرح است (لو ۲۲: ۲۴-۲۷؛ یو ۱۳: ۱۳-۱۶).

یوحنا شستشوی پاهای شاگردان توسط عیسی را به عنوان نمایش و حرکتی نبوتی از مرگ قریب الوقوع وی حکایت می‌کند: «خاصان خود را که در این جهان محبت می‌نمود ایشان را تا به آخر محبت نمود» (۱: ۱۳). عیسی در این حرکت نمادین

پیشاپیش گذر خود از مرگ را به عنوان نشانه‌ای از عشق به مردم در وفاداری کامل نسبت به پدرش عهده‌دار می‌شود. همین امر است که باید از آن یاد کرد و ایمانداران با تکرار آیین راز قربانی مقدس خود را با وی در معرض خطر عشقی تمام و کمال برای خدمت به مردمان قرار می‌دهند. امتناع پطرس برعکس دلیل بر تردید وی نسبت به پذیرفتن گذر مسیح از مرگ است (همچون پس از اقرار به ایمان در قیصریه: مر ۸: ۳۱-۳۳). اما کلام عیسی به پطرس نشان می‌دهد که شستن پاها امری اختیاری نیست و هرکس نپذیرد سهمی در ملکوت آسمانی نخواهد داشت.



حرکت نمادین شستن پاهای شاگردان بیانگر محبت مسیح نسبت به انسانهاست.

شمایل متعلق به قرن چهاردهم که همزمان شام آخر و شستن پاها را نشان می‌دهد.

عیسی نان حیات (باب ۶)

باب شش انجیل یوحنا سه موضوع را مورد بررسی قرار می دهد: تکثیر نان (۱-۱۵)، عبور از دریاچه (۱۶-۲۱) و خطابه طولانی در مورد نان حیات در کنیسه کفرناحوم (۲۲-۵۹). ما در اینجا به موضوع اول و سوم می پردازیم.

تکثیر نان (۱:۱۵-۱۵)

این روایت یادآور عمل البشع است که نانهای جو را آنقدر زیاد کرد که به موجب کلام خدا از ایشان باقی ماند (۲-پاد ۴:۴۲-۴۴) و نیز یادآور من است که خدا به حد کافی به قوم خود می داد (خروج ۱۶:۱۸). برعکس دو مورد بالا در روایت یوحنا فراوانی و وفور بر جو حاکم است؛ ۱۲ سبد پر باقی ماند و چمن نشانگر چراگاه سرسبزی است که مسیح گله اش را برای چرا به آنجا خواهد برد (مز ۲۳:۱-۲). زمان خروجی که یهودیان در زمان آخر انتظارش را می کشیدند فرا رسیده بود: آن نبی بزرگ اینجاست و مردم می خواهند او را پادشاه کنند.

روایت در عین حال به قربانی مقدس نیز به زبانی آشنا برای مسیحیان آن زمان که مکرراً طی برگزاری مراسمشان می شنیدند اشاره می کند: «نانها را گرفته و شکر نموده به شاگردان داد» (۱۱). عیسی درست همانند شام آخر خود نان را تقسیم کرد (برخلاف اناجیل نظیر). «تا چیزی ضایع نشود» (۱۲): این تذکر فراتر از این واقعه پیش می رود و مربوط به نانی با ارزش و تخصیص یافته می شود که عیسی به فراوانی (همانند قانا) آن را ارزانی می دارد تا کلیسا برای تمام نسلهای مسیحیان به حد کافی از آن داشته باشد. «من آمدم تا ایشان حیات یابند و آن را زیاده تر حاصل کنند» (۱۰:۱۰).

بدین طریق سه زمان تاریخی در این روایت دیده می شود: زمان خروج که حادثه از همانجا آغاز شد، زمان عیسی که تار و پود روایت را تشکیل می دهد و زمان کلیسا. از خلال این سه موقعیت تاریخی یک پرسش اساسی مطرح می شود: چگونه می توان در صحرا (توسط نشان من)، رو در روی عیسی نان حیات (توسط راز تن گیری)، در کلیسا (توسط راز قربانی مقدس) به خدا ایمان آورد.

خطابه در مورد نان حیات (۶:۲۲-۵۹)

عیسی نمی توانست پیش از شام آخر، مرگ و رستاخیزش، در کفرناحوم مستقیماً به قربانی مقدس اشاره نماید. عبارت «نان حیات» در مرحله اول روشی است برای معرفی عیسی به عنوان کسی که از آسمان آمده و اسرار الهی را مکشوف می کند و کلامش آب و خوراک است درست همانطور که حکمت خداست که تن گرفته («بیایید از غذای من بخورید و از شرابی که ممزوج ساخته ام بنوشید») (امت ۹:۵). در کل، این خطابه ایمان به عیسای ظهور کرده را یادآوری می کند اما اجرای مراسم عشای ربانی در واژه های مسیحی از قبیل خوردن، آشامیدن و حیات یافتن تجلی می یابد. باری، آخرین بخش خطابه (۵۱-۵۸) مستقیماً از قربانی مقدس سخن می گوید.

از آیه ۵۱ به بعد عیسی در واقع مرگش را سبب حیات می داند: «نانی که من عطا می کنم جسم من است که آن را به جهت حیات جهان می بخشم» (۵۱). کلمه جسم را در مقدمه انجیل یوحنا نیز داریم که می گوید: «کلمه جسم گردید» (۱:۱۴). اینجا تن گیری عیسی در نهایت توصیف شده است یعنی در مرگش. کلمه جسم گرفت. جسم نان شد. میان تجسم، مرگ بر صلیب و قربانی مقدس تداومی وجود دارد. امروز که جسم عیسی غایب است کلامش حضور دارد و قربانی مقدس اصلی ترین مکانی است که کلام با همان امکانات و موقعیتها و نیز همان خطر طرد شدن که در زمان عیسی وجود داشت به انسان ارائه می شود: «این کلام سخت است! که می تواند آن را بشنود؟» (۶:۶۰).

در برخی ترجمه ها حتی به جای فعل خوردن در آیات ۵۳-۵۶ کلمات جدی تری مانند جوییدن به کار رفته. به همین خاطر گروهی از مسیحیان از جمله گنوسی ها اندیشه مادی رازهای هفتگانه را برای متحد شدن با عیسی نمی پذیرند همانگونه که واقعیت انسانیت عیسی را که «تن گرفت» (۱-یو ۴:۲) نمی پذیرند. اما از نظر گروهی دیگر در این تفکر رازگونه هیچ جادویی وجود ندارد: «روح است که زنده می کند اما از جسد فایده ای نیست» (۶:۶۳). قربانی مقدس، بدن و خون، دو عطیه ای را که معاصران عیسی در جستجویش بودند به ایمانداران می دهد یعنی حیات ابدی از هم اکنون و زندگی با عیسی. امروز نیز مسیحیانی که در ایمان با عیسی متحد می شوند در وی ساکن می گردند و حیات ابدی را دریافت می دارند.

شام آخر

چهار متن در عهد جدید درباره بنیان گذاری مراسم نان و جام سخن می گویند: سه انجیل نظیر: مت ۲۶:۲۹-۲۵:۲۲؛ لو ۲۲:۱۵-۲۰ و ۱-قرن ۱۱:۲۳-۲۶ از متون پولس رسول. رجوع کنید به صفحات ۴۶ و ۴۷. آیا این متون دقیقاً آنچه را عیسی طی آخرین شامش با شاگردان خود گفته و انجام داده نقل می کنند؟

گزارشهای تاریخی

هر چهار متن مدتها پس از وقوع شام آخر نوشته شده اند. پولس رسول روایت خود را در اولین نامه به قرنتیان در سال ۵۴ نگاشته و متی، مرقس و لوقا روایات خود را حدود سالهای ۷۰-۸۰ نوشته اند. پس در تفسیر این متون باید به این فاصله زمانی توجه کافی مبذول داشت. به هنگام نگارش این متون توسط پولس و انجیل نگاران، جامعه مسیحی تجربه ای طولانی از راز قربانی مقدس داشت. بد نیست یادآوری نماییم که واقعه رستاخیز مسیح بین فاصله زمانی شام آخر تا نگاشته شدن این روایات رخ داده بود. رستاخیز مسیح مفهوم حقیقی این کلمات و حرکات را می رساند و به مثابه کلید کل انجیل است. بدینسان مسئله روشن می شود، نخست این که روایات مراسم نان و جام شهادتهایی هستند که نشان می دهند جامعه مسیحی چگونه از سخنان و اعمال مسیح تجلیل به عمل می آورد و نیز اینکه آنها را گزارشهایی تاریخی از آخرین شام وی تلقی نمی کرد.

این چهار متن را می توان به دو گروه دو تایی تقسیم کرد: از یک سو پولس و لوقا که بر مسیح که جان خود را همچون نبی و شهید می بازو تأکید دارند و از سوی دیگر مرقس و متی که مرگ مسیح را به منزله گذراندن قربانی می دانند. مفسرین معتقدند که این اختلافات دال بر وجود دو نوع تعلیم الهیاتی است: لوقا و پولس معرفت تعلیم انطاکیه و مرقس و متی معرفت تعلیمی قدیمی تر یعنی تعلیم اورشلیم هستند. بالاخره، آیا می توان به گفتار و اعمال عیسی طی شام آخر رجوع کرد؟

آیا شام آخر، غذای عید گذر بود؟

با آنکه پولس در روایت خود هیچ تاریخی ذکر نمی کند اما اناجیل نظیر تاریخ شام آخر را هنگام عید گذر یهودی و در نتیجه آخرین شام عیسی را شام گذر می دانند. مرقس در روایت خود در مورد تهیه این غذا می نویسد: «در روز اول از عید فطیر که در آن فصیح را ذبح می کردند...» (مر ۱۴:۱۲). متی و لوقا نیز این تاریخ را می پذیرند.

اما گروه بیشماری از مفسرین، شام آخر را غذای عید گذر نمی دانند. به چه دلیل؟ اگر چه اناجیل نظیر اغلب از فصیح (گذر) سخن می گویند (۱۶ مرتبه در کل) اما در مورد اتفاقات گسترده آن هیچ نمی گویند. برای مثال به بره عید گذر هیچ اشاره ای نشده است در حالی که بره عید گذر اهمیتی بسزا دارد. بعلاوه، چنانچه شام آخر در شب عید گذر رخ داده باشد اتفاقات بعدی (دستگیری، محاکمه، صلیب) باید در همان روز عید گذر انجام می شد که البته این غیر محتمل است چرا که هر فعالیتی در این روز عید برای یهودیان منع شده بود.

سرانجام آخرین دلیل قابل ملاحظه این که یوحنا هرچند در مورد چگونگی برپائی مراسم نان و جام نمی نویسد اما محاکمه عیسی در مقابل پیلطس را در شب عید گذر جای داده است: «وقت تهیه فصیح و قریب به ساعت ششم بود» (۱۹:۱۴). پس شام آخر که شب پیش بوده غذای عید گذر نبوده است. اما بر چه اساس می توان گفته یوحنا را پذیرفت؟ مفسرین از بیست سال پیش به این طرف توجه بیشتری به چهارمین انجیل که اشارات تاریخی و جغرافیایی بیشتری نسبت به اناجیل نظیر در خود جای داده است مبذول داشته اند و در این مورد خاص تاریخ ارائه داده شده صحیح تر به نظر می رسد چرا که محاکمه و مصلوب شدن عیسی را در روز عید گذر غیر محتمل می داند.

معذالک، مهم این است که هرچند شام آخر غذای عید گذر نبوده اما در نزدیک بودن به شب عید (دو شب پیش از عید) هیچ تردیدی نیست. مرگ مسیح (در شب عید) خیلی زود همانند گذری جدید پذیرفته شد: قربانی عیسی، بره خدا به منزله آزادی قوم خداست.

شام آخر، خطابه وداع

در حال حاضر هیچ نظریه‌ای وجود ندارد که بتواند تاریخ ارائه شده در انجیل یوحنا را با تاریخ ارائه شده در انجیل نظیر مطابقت دهد. اما هر چهار انجیل بر این نکته که شام آخر، آخرین گفتگوی عیسی با شاگردانش بود توافق دارند و از آنجا که این گفتگو آخرین گفتگوی میان آنان بود پس کلمات و سخنان عیسی باید پرمفهوم بوده باشند. آیا این گفتگو، وصیت عیسی یا به عبارتی آخرین تعلیمات یا نصایح یک استاد به شاگردانش بود؟ عیسی در انجیل متی و مرقس بلافاصله پس از برپا داشتن مراسم نان و جام با شاگردانش راهی کوه زیتون می‌شود (مت ۲۶:۳۰؛ مر ۱۴:۲۶)، لوقا بر عکس با گنج‌آیدن سخنان تشویق‌آمیز در ادامه داستان، شام آخر را طولانی‌تر می‌کند. به علاوه او ماجرای مراسم نان و جام را در ۵ آیه (۱۵-۲۰) بیان می‌کند که مختص انجیل اوست و بی‌شبهات به سخنانی که شخصیت‌های عهد عتیق در هنگام وداع می‌گفتند نیست. لوقا شنوندگانش را دعوت می‌کند تا بر مفهوم «پیروی از عیسی تا به مرگ» بیندیشند. یوحنا در باب‌های ۱۳-۱۷ با نقل وصیت‌های عیسی این موضوع را واضح‌تر بیان می‌کند.

نظر به اینکه عیسی امر به تکرار کارها و سخنانش می‌نماید می‌توان سخنان وی طی شام آخر را وصیت او نامید: «این را به یاد من انجام دهید!» عیسی در آخرین ساعات عمر، مرگش را هدیه‌ای رایگان برای شاگردانش و تمام بشریت نشان می‌دهد.

* این بدن من است

این کلمات باعث کشمکشی سخت میان کاتولیک‌ها و پروتستان‌ها گشته‌اند (آیا این تنها یک سمبل است یا حقیقتی محض؟) در زمان عیسی چنین اختلافات و مشاجره‌ای وجود نداشت: از نظر یهودیان اختلافی بین جسم (sarx) و بدن (soma) وجود نداشت در صورتی که برای یونانیان اینطور نبود و جسم یا بدن تمامیت شخص انسان محسوب می‌شد. عیسی با گفتن «این بدن من است»، به واقع گفته است این تمام وجود من است، این حیات من است. همانگونه که رئیس خانواده در شام عید

گذر توضیح می‌دهد که نان فطیر نان مشقت است (ث ۱۶:۳) عیسی نیز نان این غذای گذر نوین را مشابه خود اعلام می‌دارد. او نه تنها نان برای خوردن به دوستانش می‌دهد بلکه خود را نیز تقدیم می‌کند.

* این عهدی در خون من است

«خون پیمان» به سفر خروج ۲۴:۳-۸ اشاره می‌کند که موسی عهد با خدا را با پاشیدن خون حیوان قربانی شده در ابتدا بر مذبح و سپس بر قوم ممه‌ور کرد. عهد نوین در حیات عیسی متولد شده است، حیاتی که در خون ریخته شده او برای نجات افراد بسیار و بشریت جاری بود. عیسی هنگامی که به مرگ سپرده شد مراسم عشای ربانی را همچون گذری نوین برای ایماندارانش به جا گذاشت. شاگردان نیز از این طریق در گذر نوین مرز رهایی، نه از چنگ مصریان بلکه از نیروهای مرگ و نیز مرز غذای ضیافت ملکوت خدا را در پایان زمان چشیدند.

ما هیچگاه دقیقاً به کلماتی که عیسی در شام آخر گفته پی نخواهیم برد اما معتقدیم که شاگردانش آنچه را از این سخنان به نظرشان مهم آمده است یعنی عطیه عیسی، عطیه حیاتش بخاطر عشق و محبت را دریافته و تعلیم داده‌اند و آنچه باید همواره به یاد داشته باشند حضور جدید عیسا است؛ آن رستاخیز کرده حیات ایشان را دگرگون کرده است و همچنان از طریق کلیسا به متحول ساختن هستی ادامه می‌دهد

قربانی مقدس مسیحیان اولیه

(اعمال رسولان و اول قرن‌تین ۱۰-۱۱)

اگر چنانچه حجم متون کتاب اعمال رسولان یا نامه‌های پولس را در نظر داشته باشیم باید بگوییم که هیچ کدام اهمیت چندانی به راز قربانی مقدس نداده‌اند. معذالک نسل‌های پی در پی ایمانداران بی وقفه به این چند روایت کوتاه که از قربانی مقدس سخن می‌گویند متوسل می‌شوند تا در آنها نوری برای خود بجویند و در واقع این نوشته‌ها نیز مطالب مهمی را در خود جای داده‌اند.

تاکید بر شکستن نان

با بررسی و مطالعه کتاب اعمال رسولان جز به اشاراتی کوتاه و نادر درباره قربانی مقدس دست نمی‌یابیم. زندگی اولین جامعه مسیحی اورشلیم در پایان روایت پنطیکاست در تنها یک جمله خلاصه شده است: «در تعلیم رسولان و مشارکت ایشان و شکستن نان و دعاها مواظبت می‌نمودند» (اع ۲:۴۲) و چند آیه بعد می‌گوید: «هر روزه در هیکل به یک دل پیوسته می‌بودند و در خانه‌ها نان را پاره می‌کردند و خوراک را به خوشی و ساده دلی می‌خوردند» (اع ۲:۴۶).

از این آیات متوجه می‌شویم که «پاره کردن نان» یکی از عادات معمول ایمانداران گشته بود و آن را در خانه‌های خود انجام می‌دادند، وانگهی شاگردان نیز هر روز به هیکل می‌رفتند. اما این مطالب اطلاعاتی در مورد روز برگزاری قربانی مقدس یا شیوه انجام آن به ما نمی‌دهند. یکی از روایات لوقا اشاره‌ای در این باب دارد. این روایت از آخرین شب اقامت پولس در ترواس سخن می‌گوید: «در اول هفته چون شاگردان به جهت شکستن نان جمع شدند و پولس در فردای آن روز عازم سفر بود برای ایشان موعظه می‌کرد» (اع ۲۰:۷). تمام قرائن نشان می‌دهد که این روایت از قربانی مقدس سخن می‌گوید. مراسم در بالاخانه‌ای و از آنجا که شب بود

در پرتو نور فانوسهای بسیار و در روز اول هفته انجام گرفته و پاره کردن نان پیش از صرف غذا صورت گرفته بود؛ پولس پیش از آنکه تا سپیده دم برای آنان موعظه نماید نان را شکست و خورد.

اصل مسلمی که در این آیات به چشم می‌آید این است که شکستن نان همواره با تعلیم رسولان و صرف غذا همراه بوده است و نیز با مشارکتی برادرانه در تقسیم اموال که هرچند عمومیت نداشت اما به معنی واقعی کلمه شراکت بود چرا که «در میان آنان محتاج نبود» (اع ۴:۳۴).

غذای خداوند

از تمام نامه‌های حضرت پولس تنها اولین نامه وی به قرن‌تین که به سال ۵۴ نوشته شده صریحاً از قربانی مقدس سخن می‌گوید. در بابهای ۱۰-۱۱ به خوبی آنچه را پولس غذای خداوند نامیده است توضیح می‌دهد. این بابها نشان می‌دهند که او به شدت علیه اشتقاق میان مسیحیان و بت پرستی مبارزه می‌کند. وی تعلیمات خداوند را که به قرن‌تین منتقل ساخته است علیه انحرافات که می‌بیند ارائه می‌دهد. پولس می‌گفت: «آیا نانی را که پاره می‌کنیم شراکت در بدن مسیح نیست؟» از نظر پولس خداوند سرپرست غذاست که خاصان خود را دور هم گرد می‌آورد. پس در نتیجه همه چیز باید دقیقاً طبق میل او و با یادآوری تعلیمات وی برگزار شود.

پولس در روایت شام آخر (۱۱:۲۳-۲۶) بی وقفه کلمه «خداوند» را تکرار می‌کند. نان، نان خداوند است؛ پیاله، پیاله خداوند؛ و اینها خون و بدن خداوند هستند و هرکه از این نان بخورد و از این پیاله بنوشد موت خداوند را ظاهر می‌نماید.

تمییز دادن بدن خداوند

از نظر پولس مشارکت در سفره خداوند به مفهوم قبول توقعات سنگین است. اولاً تنها برگزاری آیین کافی نیست. رسول یادآوری می‌کند با آنکه همه پدران با موسی در صحرا زیر ابر بودند و همه همان خوراک روحانی را خوردند و همه همان شراب

روحانی را نوشیدند زیرا که می‌آشامیدند از صخره روحانی که مسیح بود (۱۰:۳-۵) اما بیشتر آنان در نظر خداوند ناپسند بودند و مردند. پس چه باید کرد تا در این خوراک شراکتی شایسته داشت؟ می‌توان از زیاده‌روی‌های قرن‌تیا ن نکته‌هایی آموخت. تمییز بدن خداوند تنها این نیست که در اجرای آیین مراقب باشی یا در هنگام برگزاری آن مست نباشیم و حتی به این معنی نیست که از حضور یافتن بر سر سفره شیطان و خداوند به طور همزمان امتناع ورزیده ایم. بلکه شناخت این مطلب است که ما همه یک بدن می‌باشیم و تمام برادرانی که بر سر سفره خداوند هستند بدن خداوند می‌باشند.

دولتمندانی که فقرا را خوار می‌انگارند، کلیسای خداوند را حقیر می‌شمارند. این تمام خوراک و نیز تقسیم اموال را تحت الشعاع قرار می‌دهد. پولس می‌گفت: منتظر یکدیگر باشید (۱۱:۳۳). یقیناً پولس می‌خواست ما بین غذای معمولی و روزانه با خوراک خداوند تمایز قائل شویم. شراکت در نان واحد و دریافت آنچه خداوند به ما منتقل ساخته یقیناً مفهومی بیش از این دارد. مسیحیانی که با هم شراکت دارند در عین حال هم در بدن و خون عیسای تسلیم شده برای ما و هم در بدن خداوند که همه برادران با هم آن را تشکیل می‌دهند شریک هستند.

کتب مقدسه و شام عیسی

(لوقا ۲۴:۱۳-۳۵)

اینک در همان روز دو نفر از ایشان می‌رفتند بسوی قریه‌ای که... عمواس نام داشت. و با یکدیگر از تمام این وقایع گفتگو می‌کردند. چون ایشان در مکالمه و مباحثه می‌بودند ناگاه خود عیسی نزدیک شده با ایشان همراه شد اما چشمان ایشان بسته شد تا او را نشانند.

دو بینای نابینا... ندانستند همسفری که به آنان پیوسته همانی است که فکر و ذکر ایشان را به خود مشغول نموده است. این باور کردنی نیست. چگونه می‌توان چند روز پس از غیبت، خطوط چهره شخص مورد علاقه و صدایش را فراموش کرد؟ پس چه علت اسرارآمیزی وجود داشته که مانع دید آنها می‌شد؟

رفتار عیسی رستاخیز کرده نیز تعجب‌آور است. او در راه عمواس چه می‌کرد؟ چرا به وضوح و صریح خود را معرفی نکرد؟

انجیل نگار از همان ابتدای روایت معمایی مطرح می‌سازد: چگونه شاگردان رستاخیز کرده را شناختند در حالی که در کنار ایشان و مرئی بود؟ گویی می‌خواست پاسخ را القا نماید: «دیدن عیسی» برای باور کردن رستاخیز او کافی نیست.

او به ایشان گفت چه حرف‌هاست که با یکدیگر می‌زنید و راه را به کدورت می‌پیمایید... عیسی ناصری که مردی نبی و قادر در فعل و قول در حضور خدا و تمام قوم بود... ما امیدوار بودیم که همین است آنکه می‌باید اسرائیل را نجات دهد... بعضی زنان... آمدند و گفتند فرشتگان را در رؤیا دیدیم که گفتند او زنده شده است... لیکن او را ندیدند.

ایشان نمی‌بینند. شهادت زنان را نشنیدند. با این حال فرستادگان خدا اعلام داشتند که عیسی زنده است. به عبارت دیگر خدا مستقیماً پا پیش نهاده تا رستاخیز عیسی را اعلام

دارد. این شهادت آسمانی بی فایده بود، درست همانطور که حضور مرئی رستاخیز کرده چرا که چشمان ایشان گشوده نشد.

با این حال می توان گفت که این دو دوست که رو به سوی عمواس نهاده بودند از ایمان بدور نبودند. آنچه در مورد عیسی می گفتند به شدت شبیه اعتراف ایمان اولین مسیحیان بود: «عیسی نبی خداست». معما کم کم روشن می شود. برای تأیید زنده بودن عیسی، دیدن رستاخیز کرده یا وساطت مستقیم خدا ضرورتی ندارد. بلکه نشانه های حضور جدید عیسی را باید در چیزهای دیگری جست.

به ایشان گفت: ای بی فهمان و سست دلان از ایمان آوردن به آنچه انبیا گفته اند. پس از موسی و سایر انبیا شروع کرده اخبار خود را در تمام کتب برای ایشان شرح فرمود...

رستاخیز کرده برای بازشناساندن خود به هیچ وجه سعی بر اثبات واقعیت رستاخیزش ندارد. بلکه همراهانش را به موسی و انبیا یعنی کتب مقدسه ارجاع می دهد و ایشان را دعوت به مطالعه کتب مقدسه می نماید.

برای آنکه چشمها باز شوند و رستاخیز کرده را بازشناسند باید کتب مقدسه و عمل عیسی را رو در روی هم قرار داد. تاریخ دقیق رستاخیز عیسی مشخص نیست اما جزو مهمترین وقایع قوم خدا به شمار می آید. جریانات واقعه گذر در عهد عتیق مفهوم می یابند. قلب همراهان عیسی مشتاق است اما چشمانشان هنوز باز نیست چرا که باید حرکت بسیار ضروری دیگری را نیز شاهد باشند.

ایشان الحاح کردند که با ما باش... چون با ایشان نشسته بود نان را گرفته برکت داد و پاره کرده به ایشان داد که ناگاه چشمان ایشان باز شده او را شناختند و در ساعت از ایشان غایب شد... آیا دل در درون ما نمی سوخت وقتی که کتب را به جهت ما تفسیر می کرد.

این حرکت، ضیافت عیسی است. بازخوانی کتب و نان پاره شده امکان باز شدن چشمهایشان را می دهد. کتب و ضیافت عیسی دو شرط لازم برای دیدن حضور جدید وی

هستند، وقتی چشمهایشان باز شد رستاخیز کرده نامرئی گشت. ایشان شکایت نکردند زیرا بعد از این عیسی نامرئی را خواهند دید.

باشد که خواننده انجیل دریابد که این روایت خطاب به اوست. او نیز به نوبه خود می پرسد چگونه می توان رستاخیز کرده را دید. پاسخ این است چشم دل را باید گشود چون حضور رستاخیز کرده اینک مشابه حضور عیسی ناصری نیست بلکه حضوری نوین است که با چشم ایمان به شرط تغذیه از کتب مقدس و شراکت در غذای عیسی آشکار می شود. مسیحیان برای دیدن حضور رستاخیز کرده و زندگی در این دید، کتاب مقدس و قربانی مقدس را در اختیار دارند.

این یکی از زیباترین روایاتی است که لوقا برای تمام نسلهای مسیحی نگاشته است.



شام آخر، قربانی عیسی، آزادی قوم خدا

سرچشمه‌های راز قربانی مقدس

هر که در عهد جدید به دنبال مراسمی آیینی در مورد برگزاری راز قربانی مقدس باشد کاری عبث را آغاز کرده است. در واقع در عهد جدید هیچ کتاب و بایی را نمی‌توان یافت که به برگزاری قربانی مقدس تخصیص داده شده باشد و اختلاف عهد جدید با عهد عتیق نیز در همین جاست. در عهد عتیق ۱۳ باب از ۴۰ باب کتاب خروج و تقریباً تمام کتاب لاویان به برگزاری آیین دینی اختصاص داده شده است. اما مطالعه دقیق عهد جدید نشان می‌دهد که بخشهای زیادی از این کتاب کم و بیش در رابطه با قربانی مقدس نگاشته شده‌اند. به وضوح دیده می‌شود که آیین قربانی مقدس در کلیسای تازه متولد شده چهار انجیل نگار را همانند پولس رسول تحت تأثیر قرار داده بود. در اینجا عوامل اصلی تعلیم قربانی مقدس را در عهد جدید یادآوری کرده و مفهوم قربانی مقدس را طبق آنچه گاه‌گاه در مشاجرات اخیر مورد استفاده قرار می‌گیرد بیان می‌کنیم.

غذا خوردن شاگردان با عیسای رستاخیز کرده

همان کس را خدا در روز سیّم برخیزانیده ظاهر ساخت. لیکن نه بر تمامی قوم بلکه بر شهودی که خدا از پیش برگزیده بود یعنی به میانیکه بعد از برخاستن او از مردگان با او خورده و آشامیده ایم (اع ۱۰: ۴۰-۴۱). این خطابه پطرس است نزد کرنیلیوس، یوزباشی مشرکی که ایمان آورده بود. بدرستی بیشتر روایاتی که ظهور عیسای رستاخیز کرده را روایت کرده‌اند یادآور مقوله‌ای در مورد صرف غذا هم هستند. پس از آنکه محاکمه و مرگ عیسی باعث پراکندگی شاگردان شد بی‌شک ایشان باز همانند زمانی که عیسی در میانشان بود برای صرف غذا دور هم گرد می‌آمدند. لوقا می‌گوید که کلیوپاس و همسفرش او را به وقت پاره کردن نان بازشناختند (لو ۲۴: ۳۵) و یوحنا شرح می‌دهد که خود خداوند در ساحل دریاچه ماهی و نان تهیه کرد (یو ۲۱: ۹-۱۰). غذای پیش بینی نشده‌ای که طی آن هر کس

از خود سؤال می‌کند «او کیست؟» چرا که هیچ یک از شاگردان جرأت نداشت از او بپرسد «تو کیستی؟» چون به خوبی می‌دانستند که او خداوند است. بدین ترتیب عادت به غذای قربانی مقدس و ظهور رستاخیز کرده در رابطه‌ای تنگاتنگ به یکدیگر مربوط می‌شوند.

لوقا روایتش را با پی گرفتن جریان برگزاری مراسم قربانی مقدس ادامه می‌دهد.

- * ملاقات با مسیح: عیسی در طول راه به آنان می‌پیوندد.
- * گوش فرا دادن به کلام: از موسی و سایر انبیا شروع کرده اخبار خود را در تمام کتب برای ایشان شرح فرمود (۲۷).
- * صرف غذا به اتفاق یکدیگر: چون با ایشان نشسته بود نان را گرفته برکت داد و پاره کرد و به ایشان داد (۳۷).
- * مأموریت و تعهد: آنان به ۱۱ تن دیگر ملحق شده و همراه آنان بر رستاخیز شهادت می‌دهند در حالی که او را به عنوان خداوند باز می‌شناسند و اقرار می‌کنند.

روایات شام آخر در اناجیل نظیر

کلیسا، روایات شام آخر را اساس راز قربانی مقدس می‌داند. لوقا (به مانند پولس) فرمان خداوند را اینگونه می‌نویسد: «این را به یاد من انجام دهید». فرمانی جدید مربوط به عهدی جدید؛ با وجود اختلافاتی که ممکن است در نگارش متون بوجود آمده باشد اما این نکات در تمام آنها دیده می‌شوند:

۱- مرحله میانی مراسم قربانی مقدس:

* عیسی نان را گرفت و سپس پیاله‌ای شراب.

* شکر نمود یا برکت داد.

* نان را پاره کرد.

* به شاگردان داد.

چهار فعل نمایانگر چهار عمل است که در آیین قربانی مقدس متجلی می‌شوند. تهیه و ارائه عطایا، دعای شکر نعمت (قربانی مقدس) و پاره کردن نان که پس از این مراحل انجام می‌شود.

۲- «دادن» آخرین حرکت خداوند است که کلمات را به هم می‌پیوندد: این بدن من است... در نتیجه، این عمل به واقع کلید شناخت تمام موضوع است. خداوند خون و بدن خود و نیز موجودیت و حیات خود را تقدیم می‌دارد. مرگ و قربانی اش عطیه ای مسلم از خود اوست. سپاسگزاری او نسبت به خداست یعنی پدرش و تقدیم خویشتن برای برادرانش می باشد.

۳- با وجود تمام اختلافاتی که بین اناجیل نظیر و انجیل یوحنا در مورد تاریخ دقیق شام آخر وجود دارد، هدف نگارندگان اناجیل نظیر نگاشتن روایات برپائی مراسم نان و جام در جریان عید گذر یهود یادآوری عهد و دادن ارزشی برابر ارزش عید گذر به آن می باشد. گذر مسیح از مرگ به حیات، آزادی نوین از گناه می باشد که از طریق مسیح، خادم اقوام بسیار و نه تنها قوم بنی اسرائیل بدست آمده است.

نانه‌ای تکثیر شده

هر چهار انجیل نگار عیسی این موسای نوین را در حال غذا دادن به جمعیت در صحرا ترسیم می کنند. در انجیل یوحنا سخنانی که عیسی بعد از انجام معجزه تکثیر نانه‌ها به زبان می آورد طرح اولیه ای از الهیات مربوط به قربانی مقدس را تشکیل می دهد. این سخنان نقطه عطفی است برای بازشناسی پسر خدا در قالب انسانی اش و نیز شناخت نان آسمانی که حیات می بخشد و آزمایش ایمان می باشد. اتفاق نظر این چهار انجیل دورنمای پراهمیتی در شناخت قربانی مقدس بوجود می آورد.

جمعیت در اشتیاق نان و کلام است. عیسی شاگردانش را به ترجم نسبت به جمعیت در صحرا تشویق می کند. او به شاگردان که می خواهند به دلیل نگرا نیهای خود جمعیت را روانه کنند اعتراض می کند و خود جمعیت را پیش از آنکه با نان یا ماهی غذا دهد با کلام تغذیه نموده تعلیم می دهد. او از شاگردان می خواهد که به همه نان بدهند. بدین ترتیب قربانی مقدس دست کلیسا و بویژه خادمانش را در خدمت باز می گذارد.

«شما ایشان را غذا دهید» به واقع امر به دادن قربانی مقدس است. در حالیکه ایشان به فکر تهیه پول برای خرید غذا جهت جمعیت بودند عیسی نظر ایشان را متوجه خودشان می سازد، به خویشتن که می باید تقدیم دارند و از آنان می خواهد همانطور که خود خویشتن خویش را داد، حیات خود را تقدیم بدارند. همانند بیوه زنی که او را مثال می زند: همه ایشان از زیادی خود در هدایای خدا انداختند

لیکن این زن از احتیاج خود تمامی معشیت خود را انداخت (لو ۱۱: ۴). عیسی جمعیت را با آنچه می ماند تغذیه می کند. او در تنگدستی و فقر چند نان و ماهی برای تغذیه جمعیت می گیرد. باز عیسی می خواهد که باقی مانده را نیز با خود بردارند تا چیزی ضایع نشود. باشد که همه، نان شکسته شده و خون ریخته شده تبدیل به شکر نعمت و ازدیاد عطیه شود.

پولس قرن‌تینان را سرزنش می نماید

تذکر پولس به قرن‌تینان در رابطه با برگزاری شام خداوند (۱- قرن ۱۱) یادآور زمان معینی از اجرای قربانی مقدس در کلیسای تازه تولد یافته است. محققاً از نظر پولس برگزاری شام خداوند در جریان یک وعده غذای بسیار کوتاه که احتمالاً عادت مسیحیان بود بسیار ناگوار به شمار می آمده. بنظر می رسد شام وعده گاهی بود برای ملاقات اغنیا با اغنیا و محرومین با محرومین. چگونه می توان قربانی مقدس را با سفره های جدا برگزار کرد؟ اگر از پیش حضور قیام کرده را در برادران محروم خود بازشناخته باشیم چگونه می توانیم او را بشناسیم یا اقرار کنیم؟ آیا این کار خیانت به قربانی مقدس و عطیه خداوند و به نوعی خوردن و آشامیدن محکومیت خودمان نیست؟

یادآوری پولس در مورد چگونگی برگزاری آئین عشای ربانی از روایت شستشوی پای شاگردان در انجیل یوحنا: ۱۳ نشأت گرفته است. فرمان عیسی مبنی بر برگزاری قربانی مقدس به یاد او، بعد دوگانه آیینی و اخلاقی دارد: «پس اگر من که آقا و معلم هستم پایهای شما را شستم بر شما نیز واجب است که پایهای یکدیگر را بشویید. زیرا به شما نمونه ای دادم تا چنانکه من با شما کردم شما نیز بکنید».

آیین‌های قربانی مقدس در کلیسا

سکوت عهد جدید در مورد آیین برگزاری قربانی مقدس و تأکید آن بر موضوعاتی که به آنها اشاره شد، کلیسایی را ارائه می دهد که خواهان وسعت بخشیدن به راز قربانی مقدس و رای یک بعد مطلقاً آیینی است.

قربانی مقدس طی بیست قرن تاریخ آن، شاهد تغییرات بسیار در آیین و نحوه کاربردش بوده است. هر عصر و ملتی بر آن اثری را طبق ادراکات و فرهنگ خود گذاشته اند. این امر موجب شده که گاه بر آیین های فرعی نماز افزوده شود بی آنکه

جنبه ای معنوی یا جادوئی به آن ببخشد بویژه هنگامی که مراسم توسط خادمی منفرد و به زبانی غیر متداول اجرا می شده. با این حال این رسم به خوبی حفظ شده است و عرف کلیسای کنونی نیز همچنان با نوشتهٔ ژوستین قدیس در سال ۱۵۰ مطابقت دارد: «تجمع روستاییان و شهرنشینان در روز مسمی به روز خورشید در محلی خاص انجام می شود. در این روز خاطرات رسولان و کتب انبیا را تا آنجا که وقت اجازه دهد قرائت می کنند. پس از اتمام قرائت سرپرست گردهمایی به موعظه می پردازد. سپس همه با هم به پا می خیزیم و دست به دعا برمی داریم. آنگاه همانطور که گفتیم پس از اتمام دعا برای سرپرست گردهمایی نان، شراب و آب می آورند و او تا آنجا که بتواند دعا می کند و شکر به جا می آورد و قوم «آمین!» می گوید. سپس به تقسیم و توزیع نان و شراب و آب می پردازند و سهم غایبان را نیز توسط شماسان می فرستند.»

بعلاوه کتاب مقدس نیز همواره حضوری زنده در میان ما دارد؛ تمام کلیسا دعوت شده است تا به منظور دریافت راز مسیح، حیات و رسالتش در کتاب مقدس مطالعه و تعمق نماید.

قربانی مقدس برای کلیسا

قربانی مقدس برای زمان آزمایش به کلیسا داده شده است. آزمایش درونی، چرا که در هر یک از اعضای آن خیانت و بخشنده‌گی پا به پای هم وجود دارد و آزمایش بیرونی، در حالی که عیسی، این آزاده مرد را شکنجه کرده اند هیچ دلیلی ندارد که کلیسایش را تأیید نمایند.

قربانی مقدس باز برای زمانی که کلیسا در راه است به وی داده شده است. کلیسا بر پدراناش ارجحیت ندارد اما نان آسایش به او داده شده است: «برخیز و بخور زیرا که راه برای تو زیاد است» (۱- پاد ۷:۱۹). هر یک از اعضای کلیسا می تواند در این راه خود را یهودا یا پطرس که خیانت کردند، یعقوب و یوحنا یا دیگران که قربانی مقدس را وسیله ای برای برقراری قدرت خود و به پیش رفتن قرار دادند یا مسافران عمواس که از محل مبارزه می گریختند بدانند. قربانی مقدس به کلیسا داده شده تا او را با خداوندش منطبق سازد، پا جای پای او بگذارد و خدمت کردن و تقسیم عطیه جامع را تعلیم و دوباره تعلیم دهد.

گروههای مطالعاتی کتاب مقدس

در اینجا دو روش متفاوت و بسیار ساده برای گروههای مطالعاتی که مایل به درک بهتر مفهوم راز قربانی مقدس در اناجیل هستند ارائه می شود. شام خداوند یقیناً نقطه عطفی است در روایات زندگی عیسی که اناجیل را تشکیل داده اند. پس تعجبی ندارد که مثلاً یا روایات بسیاری از شام یا قربانی مقدس سخن گفته باشند.

۱) عیسی جمعیتی را در صحرا غذا می دهد.

تکثیر ناهنا تنها روایت معجزه ای است که در هر چهار انجیل نقل شده است. همین مطلب اهمیت این روایت را برای جامعه مسیحی به خوبی نشان می دهد! این اهمیت علت تقسیم روایت را به دو روایت مجزا در دو اناجیل متی و مرقس نیز به خوبی توضیح می دهد. همین امر تعداد این روایات را به شش عدد می رساند (به همراه روایت لو ۹:۱۰-۱۷ و یو ۶:۱-۱۵).

می توان دو روایت هر انجیل را مقایسه نمود:

* در انجیل مرقس روایات ۶:۳۴-۴۴ و ۸:۱-۹ را مقایسه نمایید.

* در انجیل متی روایات ۱۴:۱۴-۲۱ و ۱۵:۳۲-۳۸ را مقایسه نمایید.

اختلافات را بررسی کنید. چه نکاتی در روایات اول یادآور قوم یهود و در روایات دوم یادآور اقوام مشرک است؟ توجه به مسئله جدا بودن قوم یهود از اقوام مشرک در میان اولین مسیحیان (مثلاً اع ۱۰:۱۵) چه چیزی در مورد قربانی مقدس به ما می آموزد؟

حتی می توان در هر انجیل این روایات را با روایت همان انجیل از شام آخر مقایسه کرد. چه کلمات مشترکی وجود دارد و علت آن چیست؟

* غذا خوردن عیسی در انجیل لوقا (ر. ک صفحه ۱۸)

* نقطه مشترک این چهار وعده غذا چیست؟

* در خانهٔ لاوی باجگیر لو ۵:۱۹-۳۲:

* در خانه شمعون و با حضور زن گناهکار ۷: ۳۶-۴۸؛

* با باجگیران و گناهکاران ۱۵: ۱-۲؛

* در خانه زکی باجگیر ۱۹: ۱-۱۰؛

وجه اشتراک این روایات چیست؟

* خادمان مهمانی ۱۲: ۳۶-۳۸، ۴۵-۴۶؛

* میهمانان ضیافت ۱۴: ۱۵-۲۴؛

* پدر و دو پسرش ۱۵: ۱۴-۱۷، ۲۳-۲۴، ۲۹-۳۲؛

* مرد ثروتمند و ایلعازر ۱۶: ۱۹-۲۱؛

تعلیمات دیگر این روایات چیست؟

* در خانه مریم و مرتا ۱۰: ۳۸-۴۲؛

* در خانه فریسیان ۱۱: ۳۷-۵۳؛ ۱۴: ۱-۲۴.

با توجه به تمام این متون لوقا چه ابعادی از قربانی مقدس را ارائه می دهد؟



یادداشت‌هایی برای تعمق

تکوین راز قربانی مقدس

متی ۲۶:۲۹-۲۶

۲۶ چون ایشان غذا می‌خوردند

عیسی نان را گرفته

برکت داد پاره کرد

به شاگردان داد و گفت:

«بگیرید و بخورید

این بدن من است»

مرقس ۱۴:۲۲-۲۵

۲۲ چون ایشان غذا می‌خوردند

نان را گرفته

برکت داد پاره کرد

بدیشان داد و گفت:

«بگیرید و بخورید

که این بدن من است».

۲۷ پیاله را گرفت

شکر نمود

بدیشان داده گفت:

«همه شما از این بنوشید

۲۳ پیاله ای گرفته

شکر نمود

به ایشان داد

همه از آن آشامیدند

۲۴ به ایشان گفت:

«این است خون من از عهد جدید

۲۸ زیرا این است خون من در عهد جدید

که در راه بسیاری

بجهت آمرزش گناهان ریخته می‌شود»

۲۹ اما به شما می‌گویم

«بعد از این از میوه مو نخواهم نوشید

تا روزی که آن را با شما

در ملکوت پدر

تازه آشامم».

که در راه بسیاری

ریخته می‌شود».

۲۵ هر آینه به شما می‌گویم

«بعد از این از عصیر انگور نخورم

تا آن روزی که

در ملکوت خدا

آن را تازه بنوشم».

لوقا ۲۲:۱۹-۲۰

۱۹ نان را گرفته

شکر نمود پاره کرده

به ایشان داد و گفت:

«این است بدن من

که برای شما داده می‌شود

این را به یاد من بجا آرید».

۲۰ همچنین بعد از شام پیاله را گرفت

و گفت:

«این پیاله عهد جدید است در خون من

و گفت:

«این پیاله عهد جدید است در خون من

هرگاه این را بنوشید

به یادگاری من بکنید.

۲۶ زیرا هرگاه این نان را بخورید

و این پیاله را بنوشید

موت خداوند را ظاهر می‌نمایید

که برای شما

ریخته می‌شود».

۱۸ زیرا به شما می‌گویم

دیگر از میوه مو نخواهم نوشید».

تا ملکوت خدا نیاید

تا هنگامی که باز آید».

بخش دوم

نان مقدس مظهر کلیسا

مقدمه

هدف از اراه این مطلب کمک به درک عمیق مفهوم عشای ربانی است تا بتوانیم در دعای کلیسا مشارکت بهتری داشته باشیم. اصطلاحات کتاب مقدسی که در اینجا به کار رفته احتیاج به توضیح مختصری دارند. بدون در نظر گرفتن تجربیات و اعتقادات اساسی عبرانیان درک معانی عمیق این اصطلاحات میسر نیست. برای پی بردن به تجربیات و اعتقادات عبرانیان می توانید از کتابهایی که در کانون یوحنا رسول ترجمه شده است، استفاده نمائید که فهرست برخی از عناوین کتابها در پایان همین مجلد آمده است.

قبل از هر چیز باید معنی لغوی اصطلاحات را در نظر بگیریم. ما معمولاً عید رستاخیز مسیح را به عنوان عید پاک می شناسیم. کلمه پاک برای بیان مطلب کافی نیست، زیرا لغت پاک در زبان فارسی به هیچ وجه مفهوم و اصالت این عید را نمی رساند. کلمه پاک از زبان فرانسه گرفته شده که اصل آن از کلمه Pascua لاتین مشتق شده و این لغت لاتین همان لغت پسخا (Peskha) عبری است که تنها تلفظ آن با استفاده از حروف زبان دیگری تغییر کرده است. این لغت عبری در زبان آشوری و زبانهای دیگری که از زبان سامی مشتق شده، رایج است. در ترجمه فارسی کتاب مقدس به این کلمه «فصح» گفته شده است که خود کلمه «فصح» عربی است و چون در این زبان حرف «پ» وجود ندارد پس حرف «ف» جانشین «پ» گردیده است. بنابراین Peskha عبری در زبان لاتین به Pascua و در زبان فرانسه به Paques مبدل شده و به همین ترتیب در زبان عربی به «فصح» تغییر کرده است. حال ببینیم که معنی لغت Peskha عبری چه بوده است. ابتدائی ترین معنای این کلمه عید بود یعنی «رقص و پایکوبی» و یا «گذر» از زمستان به بهار، زمانی که عید فصل برگزار می شد مانند عید نوروز ما.

تجربیات عبرانیان مفهوم «گذر» را تأیید کرد و آن تنبیه مصریان توسط خداوند بود که از در خانه عبرانیان گذشت و به آنان آسیبی نرساند (رجوع شود به سفر خروج ۱۲:۲۳). علاوه بر این به کمک خداوند عبرانیان توانستند از خشکی که در میان دریای سرخ به وجود آمده بود، «گذر» کنند و سرانجام از بیابان بدون نابود شدن از گرسنگی و تشنگی «گذر» کردند.

این است اولین عید پاکی که یهودیان آن را بر پا می دارند: خداوند از میان آنان «می گذرد» تا آنها بتوانند از مصر به سوی زمین موعود «گذر» کنند. البته «گذر» برای مسیحیان معنی عمیق تری پیدا می کند عیسی با مصلوب شدن بر صلیب از این دنیا به سوی پدر «گذر» می کند (یو ۱۳:۱) و سپس کلیسا برای «گذر» از گناه به سوی اتحاد با خداوند دعوت می شود. به همین جهت است که در این مطلب به جای کلمه عید پاک اصطلاح «عید گذر» را به کار می بریم. حال که مختصر توضیحی در مورد لغت پاک داده شد، به اختصار اتفاقات عید «گذر» را بررسی می کنیم.

قسمت اول : عید گذر در کتاب مقدس

الف) برگزاری عید «گذر» در زمان قدیم

بعد از مرگ یوسف پسر یعقوب در حدود هفده قرن قبل از میلاد، قوم اسرائیل در مصر زندگی می کرد لیکن رفته رفته آنان به صورت برده درآمدند. در زمان سلطنت رامسس دوم (۱۲۳۴ الی ۱۳۰۰ ق.م) خداوند موسی را برای شفاعت یهودیان برگزید و پیش فرعون فرستاد تا آنان را از این مهلکه نجات دهد. فرعون رهایی این قوم را نپذیرفت لیکن خداوند به وسیله نشانه ها و اعمال شگفت انگیز، مصر را سرکوب کرده و از عبرانیان محافظت کرد. به عنوان آخرین عمل شگفت انگیز خداوند می توان از مرض واگیری که تمام نخست زادگان خانواده مصری را نابود کرد اسم برد، لیکن خداوند در صدد نجات قوم خویش بود. او به عبرانیان دستور داد که

«بره ای قربانی» کرده و با خون قربانی علامتی بر سر در منزل خود بزنند. فرشته هلاک کننده از در خانه های عبرانیان بدون اینکه به آنان آسیبی برساند «گذشت» و این است مفهوم «گذر».

در برابر این اتفاق حیرت انگیز، فرعون به موسی دستور داد که با قوم خود از مصر خارج شود. پس عبرانیان از مصر خارج شده و به سوی دریای سرخ حرکت کردند لیکن فرعون از کرده خود پشیمان شده ارتش مجهزی را برای تعقیب و دستگیری آنان روانه ساخت. ارتش فرعون آنان را در ساحل دریا محاصره کرد و در همین جاست که خداوند مجدداً برای نجات عبرانیان دخالت کرده دریا را شکافته و قوم خود را از طریق خشکی رهانید در صورتی که ارتش فرعون همگی در آب غرق شدند. باز ببینید این هم نوع دیگری از «گذر» یعنی «عید گذر» می باشد که در سفر خروج به عنوان خروج از مصر معروف است (برای اطلاعات بیشتر ر. ک خروج باب ۱۲-۱۵). قومی که توسط موسی از بردگی رها شده باید از بیابان «بگذرد» تا به «زمینی» که خداوند به آنها وعده داده بود برسد. در قلب بیابان قوم دستخوش ظلم طبیعت یعنی تشنگی، گرسنگی و ترس از هجوم قبیله های بادیه نشین می گردد لیکن خداوند باز هم حافظ آنهاست: از صخره برای آنان آب جاری می کند، «من» به آنها می دهد، به وسیله ستون ابر و آتش آنان را راهنمایی می کند، راهشان را می گشاید و در برابر هجوم دشمنان آنان را محافظت می کند.

در دامنه جبل سینا (که حوریب نیز نامیده می شود) عبرانیان متوقف می شوند و خداوند موسی را به بالای کوه دعوت می کند تا عهد را به او مکشوف سازد: طبق این عهد عبرانیان باید پیمان مقدسی را که بین آنان و خداوند بوجود آمده حفظ و حراست کنند. بعد از اینکه موسی ده فرمان را نوشت آنها را برای قوم قرائت کرد و قوم قول می دهد که طبق این فرامین زندگی کند. بعد موسی قربانی تقدیم می کند. موسی نصف خون را گرفته در لگنها ریخت و نصف خون را بر مذبح پاشید و کتاب عهد را گرفته به سمع قوم خواند پس گفتند هر آنچه خداوند گفته است خواهیم کرد و گوش خواهیم گرفت. و موسی خون را گرفت و بر قوم پاشیده گفت اینک خون آن عهدی که خداوند بر جمیع این سخنان با شما بسته است. (خروج ۲۴: ۶-۸).

این عهد «عهد قوم» است که قوم عبرانیان را به قوم برگزیده وقف شده به خداوند مبدل می سازد.

پس از این واقعه عبرانیان به راه طولانی خود در قلب صحرا ادامه می دهند و با وجود بی وفائی های متعدد آنها، خداوند آنان را تا «سرزمین موعود» یعنی فلسطین همراهی می کند. این سرزمین مقدس به زودی به سمبل «حضور خداوند در میان قوم خود» تبدیل می شود، یعنی سمبل امنیت و شادی و وفور نعمت که از طرف خدا به شرط وفاداری قوم به عهد جبل سینا، به آنان داده شده بود.

همه ساله یهودیان این اتفاقات را که تقریباً مصادف با عید پاک مسیحیان است، جشن می گیرند: یهودیان شب قبل از عید بره ای قربانی می کنند و دسته جمعی ضمن خواندن مزامیر نجاتشان، (مزمور ۱۱۳ الی ۱۱۸) آن را می خورند و به فرزندان خود این حوادث را تعریف می کنند.

ب) برگزاری عید «گذر» توسط مسیحیان

مسیح نیز این جشن را با حواریون خویش برگزار کرد:

در نخستین روز عید فطیر شاگردان نزد عیسی آمده از او پرسیدند: «کجا میل داری برای تو شام فصح را آماده کنیم؟» عیسی جواب داد: «در شهر نزد فلان شخص بروید و به او بگوئید: استاد می گوید وقت من نزدیک است و فصح را با شاگردانم در منزل تو نگاه خواهم داشت. «شاگردان طبق دستور عیسی عمل کرده شام فصح را حاضر ساختند. وقتی شب شد عیسی با دوازده شاگرد خود بر سر سفره نشست. (مت ۲۶: ۱۷-۲۰).

مسیح نیز مانند یهودیان مزامیر نجات را سرود:

پس از آن، سرود فصح را خواندند و به طرف کوه زیتون رفتند. (مت ۲۶: ۳۰).

و در هنگام شام، قربانی جدید را برگزار کرد، یعنی قربانی پیمان جدید یا «گذر جدید». برای پی بردن به معنای عمیق آخرین شام مسیح که قبل از فدا کردن زندگی خود بر صلیب، با حواریون خورد، لازم بود که از این اتفاقات یادی بکنیم یعنی اولین «گذر» و اولین «عید گذر». در حقیقت این تجربه عبرانیان راهی است تا ما «گذر»

عیسی را به سوی پدر و «گذر» کلیسا را به سوی خداوند درک کنیم.

ای برادران، نمی‌خواهم از آنچه برای اجداد ما اتفاق افتاد بی‌خبر باشید. درست است که همه آنها در زیر سایه ابر بودند و همه از دریا عبور کردند و همه به عنوان پیروان موسی در ابر و دریا تعمید گرفتند و همه از یک نان روحانی می‌خوردند و از آب روحانی می‌نوشیدند (زیرا از صخره‌ای معجزه‌آمیز که ایشان را دنبال می‌کرد می‌نوشیدند و آن صخره مسیح بود)... علیه خداوند شکایت نکنید چنانکه بعضی از آنها کردند و به دست فرشته مرگ نابود شدند.

همه این اتفاقات به عنوان نمونه‌ای بر سر آنان آمد و برای تربیت ما به عنوان عبرت نوشته شد زیرا ما در زمانهای آخر زندگی می‌کنیم (۱-قرن ۱۰-۴ و ۱۰:۱۱).

علاوه بر این عبرانیان بعضی از اتفاقات را در بیابان تجربه کردند که امروز در کلیسا مفهوم جدیدی به خود می‌گیرد، زیرا این اتفاقات از دیدگاه عیسی که کتاب مقدس را به اتمام رساند بررسی می‌شود.

مسیح، موسی نوین و راهنمائی است که قوم جدید خداوند یعنی کلیسا را گرد هم آورد. زندگی ما تعمید یافتگان سیر تکاملی خود را از زندان گناه در اتحاد کامل با خداوند می‌پیماید و روشن تر است اگر بگوئیم قوم جدید خداوند که فی ما بین صعود عیسی و بازگشت او زندگی می‌کنند همان موقعیت عبرانیان بین خروج از مصر و ورود به سرزمین موعود را دارند. در حقیقت آنچه که برای عبرانیان به عنوان نشان (سمبولیک) اتفاق افتاد در کلیسا صورت واقعی به خود می‌گیرد.

علاوه بر این «من» که باعث گردید عبرانیان در بیابان با آن سیر شوند سمبل نان واقعی است که عیسی مسیح به ما ارزانی می‌دارد. چنانکه خود به ما می‌گوید: آنها گفتند: «چه معجزه‌ای نشان می‌دهی تا به تو ایمان بیاوریم؟ چه می‌کنی؟ پدران ما در بیابان «من» را خوردند و چنانکه کتاب مقدس می‌فرماید: «او از آسمان به آنها نان عطا فرمود تا بخورند». عیسی به آنان گفت: «یقین بدانید آن موسی نبود که از آسمان به شما نان داد بلکه پدر من نان حقیقی را از آسمان به شما عطا می‌کند، زیرا نان خدا آن است که از آسمان نازل شده به جهان حیات می‌بخشد.» (یو: ۳۰-۳۳).

من نان حیات هستم. پدران شما در بیابان «من» را خوردند ولی مردند. اما من درباره نانی صحبت می‌کنم که از آسمان نازل شده است و اگر کسی از آن بخورد هرگز نمی‌میرد. من آن نان زنده هستم که از آسمان آمده است. هر که این نان را بخورد تا ابد زنده خواهد ماند و نانی که من خواهم داد بدن خودم می‌باشد که آن را به خاطر حیات جهانیان می‌دهم.» (یو: ۴۸-۵۱).

همچنین بره‌ای که به وسیله یهودیان به هنگام خروج از مصر قربانی شد و نیز قربانی موسی بر جبل سینا که خون آن بر مردم پخش شد و بدین وسیله بر عهد قدیم مهر زده شد برای کلیسا سمبل عیسی یعنی «بره خدا که گناه جهان را بر می‌دارد» (یو: ۱:۲۹) و یا بره‌ای که بر روی صلیب با خون خود عهد جدید را مهر زده است، می‌باشد: آنگاه پیاله را برداشت و پس از شکرگزاری آن را به شاگردان داد و گفت: «همه شما از این بنوشید زیرا این است خون من که اجرای پیمان تازه را تأیید می‌کند و برای آموزش گناهان بسیاری ریخته می‌شود.» (مت: ۲۶-۲۷-۲۸).

سرانجام ستون آتشی که عبرانیان را در برابر ارتش مصریان محافظت کرد و آنان را در میان صحرا رهنمون می‌بود، مفهوم واقعی خود را در شخص روح القدس پیدا می‌کند. روح القدسی که کلیسا را تقدیس کرده و متحد می‌سازد و آن را به سوی ملاقات با خداوند هدایت می‌نماید. چشمه آب حیات که از سینه مسیح جاری می‌شود به معنای روح القدس است.

در آخرین روز که مهمترین روز عید بود عیسی ایستاد و با صدای بلند گفت: «اگر کسی تشنه است پیش من بیاید و بنوشد. چنانکه کلام خدا می‌فرماید: نهرهای آب زنده از درون آن کسی که به من ایمان بیاورد جاری خواهد گشت.» این سخنان را درباره روح القدس که می‌باید به مومنین او داده شود، می‌گفت و چون هنوز عیسی جلال نیافته بود روح القدس عطا نشده بود. (یو: ۳۷-۳۹).

بعد از بررسی مفهوم اولین «عید گذر» حال می‌توانیم به عمق واقعی عشای ربانی در کلیسا پی ببریم. ما در اینجا به تمام چیزهائی که مسیحیان در این مورد آگاهی دارند سعی خواهیم کرد که به طور عمیق تری ارتباط این راز را با مفهوم کلیسا بررسی کنیم.

قسمت دوم: نان مقدس در زندگی کلیسا

اکثر مسیحیان کاتولیک به اصول اساسی ذیل در مورد نان مقدس آشنائی دارند:

* پیمان مقدس، شامل جسم، خون، روان و الوهیت عیسی مسیح است که در نان و شراب تقدیس شده حضور دارد.

* در عشاء ربانی، مسیح بار دیگر مصلوب می گردد.

اصول فوق اساس تعلیماتی است که از زمان کودکی با آنها آشنا شده ایم. با وجود این نان مقدس دارای مفهوم عمیق تری می باشد که پایه و اساس مسیحیت را پی ریزی می کند:

نان مقدس بزرگترین نشانه کلیساست. در عشاء ربانی، گذر مسیح به سوی پدر

صورت می گیرد و پیمانی جدید و ابدی بین خدا و قوم برگزیده اعلام می شود.

البته شرح نان مقدس از این نظر چندان سهل نبوده و با کوشش کم، مفهوم عمیق آن را نمی توان روشن ساخت. ما آمادگی روحی کافی نداریم که نان مقدس را «مظهر واقعی کلیسا بدانیم.» درک ما درباره این پیمان مقدس از آداب و رسوم گذشته سرچشمه گرفته است که می گوید: «حضور واقعی مسیح در نان و شراب است.» البته به این امر معترفیم و لیکن از درک اهمیت این مطلب اکثر اوقات عاجزیم.

اگر در صدد درک عمیق این اصول مذهبی هستیم بهتر است لحظه ای با خود فکر کنیم که مفهوم جمله ساده مسیح که می گوید: «هرگاه دو یا سه نفر به نام من به دور هم گرد آیند من نیز در میان آنها هستم» (مت ۱۸: ۲۰) چیست؟ این گفته رابطه مستقیمی با پیمان نان مقدس ندارد، جز اینکه مسیح وحدت بین خود و هر گونه گرد هم آئی پیروانش را تأیید می کند. جمله «حضور واقعی مسیح» مفهومی بیشتر از آنچه به نظر می رسد در خود دارد. در هر حال در مورد نان مقدس مفاهیم عمیق تر دیگری وجود دارد که آنها را مجزا کرده و هر کدام را به طور جداگانه ای در نظر می گیریم.



شمایل ارمنی، ۱۲۳۲

تثلیث (پدر و پسر و روح القدس)

اولین نکته‌ای که باید روشن گردد، طرز زندگی یک فرد مسیحی است. طبیعتاً ما انسانها هرگاه کلمهٔ دین پیش می‌آید فوراً به فکر «تقلید از مسیح» و «اطاعت از فرمانهای وی» می‌افتیم. آیا مفهوم زندگی فرد مسیحی لازمه‌اش داشتن رفتاری خاص و یا در حقیقت رفتاری متفاوت با دیگران است؟ همانطوری که عیسی به مسیحیان اولیه گفت: «شما نمک و نور جهانید»، پس داشتن نور در صورتی که در زندگی نتابد مفهومی نخواهد داشت، زیرا در مسیحیت پایه اصلی خود نور است نه نحوهٔ تابش آن و مایهٔ اصلی تجربه مسیحیت از دیدگاه اگزیستانسیالیسم چنین است: ما مسیحی هستیم زیرا در زندگی تثلیث از طریق مسیح شریک و سهیم شده‌ایم. مهربانی و فروتنی و پاکی نیست که ما را مسیحی می‌گرداند بلکه دعوت به شریک شدن در زندگی تثلیث توسط مسیح است که ما را مسیحی می‌سازد. آنچه در این متن حائز اهمیت است مفهوم «زندگی مشترک» می‌باشد که کلید درک صحیح تثلیث و نان مقدس به شمار می‌رود. خداوند زنده است، نه به خاطر اینکه سرچشمه زندگی همهٔ مخلوقات می‌باشد بلکه چون در خدای یگانه زندگی مرموزی بین پدر و پسر و روح القدس جریان دارد. هیچگاه نباید پنداشت که خداوند در شکوه و جلال خود تنهاست. باید گفت که اکثر ما تصور می‌کنیم که خداوند در تنهایی الهی با شادی بی‌پایان زندگی می‌کند. ولی شادی برای موجودات ضعیفی چون ما که تبادل محبت را شامل می‌شود نمی‌تواند برای خداوند دارای همان مفهوم باشد. این تصور ما دربارهٔ انزوایی خداوند کاملاً اشتباه بوده حتی کفر تلقی می‌گردد. وجود سه گانهٔ خدا دارای یک طبیعت است در سه شخص بنابراین زندگی درونی خدا یک زندگی مشترک می‌باشد.

رابطهٔ زندگی درونی تثلیث با نان مقدس ممکن است شما را متحیر سازد، در حالی که بررسی این رابطه فقط برای درک بهتر مفهوم نان مقدس است. زندگی مسیحی سهیم شدن در زندگی تثلیث است و نان مقدس اساساً به ایدهٔ تثلیث مربوط می‌شود. عشاء ربانی اجتماع افراد برگزیدهٔ خداوند را شامل می‌شود و این اجتماع رابطه‌ای عمیق با تثلیث دارد.

گذر

مفهوم مسیحیت یعنی آمدن شخص دوم تثلیث روی زمین در زمان طیریوس قیصر و یا به عبارت دیگر نزول کلام خداوند است که هدف از آن شریک ساختن بشر در زندگی تثلیث می‌باشد. همچنین پسر واقعی پدر آمد تا به وسیلهٔ او ما فرزند خواندهٔ خداوند شویم. این است معنای اصلی بخشش خدا: ما فرزندان پذیرفته شده از طرف خدای پدر می‌باشیم.

مسیح آمد تا ما را به شریک شدن در زندگی تثلیث دعوت کند و ما را به آن ملکوت آسمانی هدایت نماید. اما چگونه و یا دقیقاً به چه طریق می‌تواند ما را به آنجا رهنمون سازد؟

البته می‌توان تصور کرد که خداوند فقط با اراده کردن، می‌توانست مخلوقات خود را در زندگی تثلیث سهیم سازد. اگر ما نسلی گناهکار نمی‌بودیم طریقه شرکت در زندگی درونی خدا این چنین مشکل نمی‌بود اما چون الوده به گناهیم نقش خدا توسط مسیح که برای نجات ما پی‌ریزی شد بغرنج تر است. شیطان قدرتی بسیار بر بشر دارد و کوشش مسیح جهت هدایت ما به سوی خدای پدر مشقت بزرگی را در راه آزادی انسان از اسارت شیطان هموار ساخت. بدین معنی که او مانند یک فاتح و نجات‌دهنده بر زمین خاکی نزول نمود و انسان شد تا از درون بشریت بر شیطان پیروز شود.

می‌توان گفت این مبارزه برای آزادی‌گذری است از سلطهٔ شیطان، گناه و مرگ، تا به رستاخیز و عصر جدید که در قلمرو روح خداوند است، برسیم.

کلمهٔ «گذر» در این مورد حائز اهمیت است و آن در مبانی نان مقدس پایه اساسی دارد و در واقع «فصح» و «راز رنج و رستاخیز مسیح» دارای همین مفهوم است. زندگی مسیحی را می‌توان «گذری» نامید که در آن ما از درد و رنج و مرگ و رستاخیز مسیح گذشته، به سوی خدای پدر می‌رویم.

نان مقدس هستهٔ این عزیمت است یعنی گذر مسیحیان با مسیح به سوی ملکوت

پدر.

برای درک این مطلب به خاطر آورید که گفته شد مبانی نان مقدس با مفاهیم متعددی به هم بستگی دارد. در اینجا شرح این مفاهیم به صورتی جداگانه خواهد آمد، به

خصوص ایده‌گذر مسیح به سوی پدر، یعنی بحث در مورد افراد برگزیده خدا و پیمان آنها.

بین عهد جدید و قدیم یکی از مهمترین نکته‌های مشترک، گذر است که در هر دو عهد حائز اهمیت می‌باشد. واقعه اصلی در تاریخ یهودیان گذر آنها از سرزمین مصر به سوی دریای سرخ برای انجام عهد خود با خدا در کوه سینا می‌باشد.

ما باید یادآور شویم که وقایع عهد قدیم فقط حوادث تاریخی نبوده بلکه علائم بزرگ نبوت است که در شخص مسیح و کلیسا یعنی قوم برگزیده جدید به اتمام رسید. خدا تنها یک نقش برای نجات بشریت دارد و نه بیشتر. ما نباید تصور کنیم که خداوند به خاطر مایوس نشدن از یهودیان آنان را ترک کرده و اکنون از ما انتظارات بیشتری دارد.

پایه و اساس نقشه نجات، با دعوت و تشکیل یک قوم برگزیده در عهد قدیم پی‌ریزی شد. نقش آنها آماده ساختن راه برای مسیح و همچنین برای ما بوده است. زحمات پر مشقت مسیح در رهبری ما به سوی پدر و همچنین برای آزادی ما از سلطه شیطان به وسیله اتفاقاتی که برای مردم عهد قدیم رخ داد پیشگوئی شده بود.

تجربه اصلی در تاریخ قوم برگزیده اولیه خداوند عبارت از خروج آنها از سرزمین مصر و گذر آنها تحت رهبری موسی و پیمان‌شان با خداوند در کوه سینا بود. این نشانه ظاهر شدن مسیح به صورت انسان بود که نه فقط به شکل انسان ظاهر شده بلکه انسانیت در او تحقق می‌یابد و آزادی ما از چنگ شیطان را به وسیله پیروزی بر گناه و مرگ فراهم ساخته است.

یا به عبارت دیگر مسیح از سلطه شیطان «گذر» کرده و به رستخیز رسیده است. آنچه که بیشتر دارای اهمیت می‌باشد عبارت است از: مسیح اولین شخص از این انسانیت جدید که آزاد شده و این چنین «گذر» کرد بشمار می‌رود. ما هم باید از وی پیروی کرده، از این گذر بگذریم.

عهد

اگر زندگی فرد مسیحی اتحاد با مسیح در گذر از مرگ و رستخیز باشد، برای درک بهتر آن باید دید که نجات در حالت انفرادی میسر نیست بلکه باید آن را به شکل گذر قوم نگریست. ما عضوی از قوم برگزیده خدا هستیم که در مسیح متحد شده و در گذر او شریک گشته ایم. نجات ما از عضویت در یک اجتماع به وجود آمده و به تنهایی این نجات برای ما امکان پذیر نمی‌باشد.

این مطلب ما را به نقطه اساسی تری در مورد نان مقدس راهنمایی می‌کند: بدین معنی که مفهوم کلیسا به عنوان یک قوم همان قوم برگزیده خداوند می‌باشد.

متأسفانه ما عادت کرده ایم که کلیسا را به عنوان یک سازمان بدانیم و مشکل است خود را مانند یک قوم تصور کنیم. البته کوشش بیشتری لازم است تا تشخیص دهیم ما همانیم که در عشای ربانی «قوم مقدس خدا» خوانده شده ایم. با وجود این در همین مراسم ما خود را «گناهکار» می‌خوانیم. در هر صورت آنچه که می‌باید درباره کلیسا یادآور شویم این است که ما قومی هستیم، که به سوی سرزمین موعود گام بر می‌داریم. هدف ما اتحاد کامل با تثلیث مقدس یعنی پدر و پسر و روح القدس می‌باشد. یا با ربانی ساده‌تر ما همراه مسیح به سوی خانه پدر گذر می‌کنیم.

هنگامی که مردم عهد قدیم از سرزمین مصر عبور کردند خدا با آنها از طریق موسی پیمان یگانه‌ای بست. او به آنها اعلام عهدی را نوید داد که همبستگی آنان را با خود در موقعیت ویژه‌ای قرار داد.

امکان دارد پرسید رابطه آن با نان مقدس چیست؟ «این خون من است در پیمانی جدید و ابدی...». عهد و پیمان بستن بین قبایل چادر نشین یک رسم عادی بود. پیمانهای قبیله‌ای بین طرفین به صورت بسیار رسمی وجود داشته و دارد. این پیمانها موافقت نامه‌هایی بودند که بین دو گروه از قبایل بسته می‌شد و این عهد نامه‌ها معمولاً در مراسم تشریفاتی با خون مهر و موم می‌شدند.

خدا از رسم فوق که در بین چادر نشین‌ها معمول بود استفاده کرد، تا نشانه‌ای گویا بر قوم خود که رابطه‌ای یکتا با او داشتند، بگذارد. او خدای آنها و آنها قوم او بودند. با پیمانی استوار قسم خورده بودند که به قوانین او وفادار باشند.

قوم خداوند با گذر از بردگی مصر به سوی پیمان با خداوند متعال در کوه سینا مهمترین تجربه زندگی روحانی خود را به دست آوردند. به وسیله این تجربه به صورت قوم در آمدند و حتی می توان ژگفت که این تجربه دین آنها به شمار می رفت. یهودیان هر سال این حوادث را در مراسم با شکوهی در عید فصح جشن می گیرند. این مراسم سالانه با یک وعده غذا که پر از علائم و نشانه ها بود، برگزار می شد. این یک وعده غذای مقدس خانوادگی بود که هویت آنان را آشکار می ساخت و به آنان متذکر می شد که با خداوند پیمانی استوار به وسیله گذر از بردگی مصر بسته اند. در اینجاست که تمام این مطالب و مفاهیم به هم ملحق شده و معنی با شکوه نان مقدس را روشن می سازد.



شمایل بیزانتینی، دوره معاصر

زندگی تثلیث

عیسی مسیح نان مقدس را هنگام برگزاری مراسم شام برکت داد. او زحمات زیادی را متحمل شد تا روشن سازد که تمام حوادث سفر خروج از سرزمین مصر و عهد آنها بر کوه سینا به عنوان نشانه اتفاق افتاده و در نان مقدس به تکامل می رسد.

حضرت یوحنا بنیان گذاری نان مقدس را این طور شرح می دهد: یک روز قبل از عید فصح بود. عیسی فهمید که ساعتش فرا رسیده است و می بایست این جهان را ترک کند و پیش پدر برود. او که همیشه متعلقان خود را در این جهان محبت می نمود، آنها را تا به آخر محبت کرد. (یو ۱۳:۱).

به مطلبی که در بالا اشاره شد کمی بیندیشیم: «گذر» مسیح از این دینا به سوی پدر همراه با رنج، مرگ و رستاخیز نقطه اوج نجات بشریت بود. این محور اصلی نقشه و نجات ما به شمار می رود. در پیمان مقدس، این «گذر»، تحت «مظهر» نان و شراب در آمده تا مسیحیان بتوانند همیشه به این وسیله، وحدتی بین خود و گذر مسیح به وجود آورند. همچنین مسیحیان می توانند این روح اتحاد با مسیح را بیش از پیش گسترش داده و از این راه از سلطه شیطان نجات یابند.

به وسیله اتحاد با مسیح در عشاء ربانی، ما نیروی خود را قوی ساخته تا کاملاً تحت اراده خداوند قرار گیریم همان اراده ای که مسیح را رهبری کرد تا اولین «گذرش» را از محله «کاسه سر» (مکانی که عیسی در آنجا مصلوب گشت) به خاطر ما بپیماید. عزیمت مسیح به سوی پدر یکبار و برای همیشه انجام شد ولی در مورد ما این عزیمت تدریجی است و تا آخر عمر ادامه دارد. با گرفتن نان مقدس ما به این عزیمت بیشتر گرایش پیدا می کنیم و اجازه می دهیم روح مسیح و روش وی «نه به اراده من بلکه به اراده تو» عمیق تر در ما جایگزین گردد.

پیمان قربانی مقدس، حضور مسیح است یعنی ما نباید فراموش کنیم که حضور او در «گذرش» از مرگ، به سوی ملکوت پدر می باشد. بنا به گفتار آئین مذهبی «مصلوب شدن مسیح در عشاء ربانی مسیح» مجدداً تکرار می گردد. در قربانی مقدس

ما خود را با مسیح متحد می‌سازیم تا او بتواند ما را به سوی تسلیم کامل اراده پدر هدایت کند.

با قبول عشاء ربانی با عیسی مسیح گذر می‌کنیم و از سلطه شیطان یعنی نفس پرستی، خودخواهی، شهوت، غرور و کلیه اعمالی که گناه نامیده می‌شوند رها می‌شویم و یا بهتر بگوئیم این همان طریقی است که روابط ما را با سایر اعضاء قوم برگزیده خداوند نزدیکتر می‌سازد.

پیمان نان مقدس مرکزیت اتحاد قوم برگزیده خداوند را شامل می‌شود که در آن مردم پیمان جدید و ابدی را مجدداً بازسازی کرده تا ما به سوی خداوند بازگشت نمائیم. در این مراسم ما دور هم جمع می‌شویم و به دنیا اعلام می‌داریم: قومی هستیم که با یک پیمان با خدای نجات دهنده متحد شده ایم و تصمیم داریم که طبق اصول این پیمان با وفاداری به خداوند و با محبت به اعضاء قوم او زندگی کنیم.

اینجاست که واقعیت کلیسا چون یک قوم در مقابل قربانی مقدس به خوبی آشکار می‌شود. ما قومی در راه هستیم که به وسیله یک پیمان متحد شده و در «گذر» تاریخ قرار گرفته تا به سرزمین موعود برسیم.

بنا به آنچه که گفته شد ما نان مقدس را مظهر بزرگ کلیسا می‌دانیم. و این جاست که راز «گذر» مسیح به سوی پدر و واقعیت عمیق کلیسا مانند یک قوم جدید خداوند به وسیله قربانی مقدس نمایان می‌شود.

ایمانداران دور میز قربانگاه جمع می‌شوند که قربانی مقدس خود را تقدیم داشته و اتحاد خود را به یکدیگر در مسیح بیان کنند. بنابراین نشانه مخصوص این قوم محبت است و بدین طریق شهادت می‌دهیم که ما قوم مقدس خداوند هستیم. در شام آخر، عیسی مسیح برای ما روشن ساخت که اتحاد باشکوه او با ما در این دنیا از طریق محبت پا برجاست:

بدین طریق یکدیگر را دوست بدارید. همانطور که من شما را دوست داشته‌ام شما نیز یکدیگر را دوست بدارید. اگر نسبت به یکدیگر محبت داشته باشید، همه خواهند فهمید که شاگردان من هستید (یو ۱۳: ۳۴ و ۳۵).

هرگاه در مراسم عشاء ربانی حاضر می‌شویم، خود را با مسیح در تسلیم به اراده

پدر، شریک و متحد می‌سازیم. بدین طریق ما بار دیگر از سلطه شیطان و خودخواهی آزاد شده و خود را صادقانه در خدمت به مسیح واگذار کرده و پیمانی را که به عنوان عضو قوم خداوند بسته ایم، تکرار می‌کنیم. با گرفتن نان مقدس که قربانی این عهد بین ما و خداست مسیح در ما حضور یافته و از ما انسان جدیدی می‌سازد و در راه ملکوت خداوند ما را هدایت می‌کند.

قسمت سوم: روح القدس و آیین نیایش.

در پایان این نشریه لازم می‌دانیم توضیح مختصری درباره مفهوم قوم خداوند، کلیسا و کلیسای کاتولیک بدهیم.

۱- قوم خداوند

خداوند، ابراهیم و نسل او را برای اعلام محبتش به جامعه بشری برگزید. بعد از ابراهیم این ماموریت به عهده پسرش اسحاق و سپس به یعقوب ملقب به اسرائیل گذاشته شد و به همین جهت از آن پس قوم خداوند، قوم اسرائیل نامیده شد. البته این قوم، قوم عبرانی نیز خوانده شده است. این عنوان از جد ابراهیم که «عابر» نامیده می‌شد گرفته شده و معنی آن کوچه نشین است.

بعد از بازگشت از تبعید (۵۳۸ ق.م) تنها یک قبیله یعنی قبیله یهودا نسبت به عهد با وفا ماند و اورشلیم را مجدداً بازسازی کرد. از آن پس قوم برگزیده خداوند به قوم یهود معروف گردید. بنابراین در عهد قدیم کلمات «قوم خداوند»، «قوم برگزیده»، «قوم عبرانیان»، «قوم اسرائیل» و یا «قوم یهود» همگی دارای یک مفهوم می‌باشند.

سران قوم یهود عیسی را به عنوان مسیح موعود نشناختند و از آن پس عهد قدیم شکسته شد و عهد جدیدی با قوم برگزیده جدید توسط عیسی به وجود آمد. این قوم جدید کلیسائی است که وارث وعده‌هائی که خداوند به ابراهیم داده بود، می‌باشد.

۲- کلیسا

کلمه فارسی کلیسا همان لغت یونانی اکلیزیا @ecclesia می باشد که تنها با حفظ تلفظ حروف فارسی آن نوشته شده است.

این کلمه یونانی دارای مفهومی کلی از واژه عبری qahhal و اصطلاحات دیگر به مفهوم «دعوت» «احضار»، «اجتماع» و «عید مذهبی» می باشد.

این اصطلاحات در عهد قدیم در مورد قوم برگزیده خداوند که به دعوت وی برای پذیرفتن کلام و تعمق کردن در جلال وی در جبل سینا اجتماع کرده بودند، به کار می رفت (تث ۴: ۱۰، ۲۲: ۵ مقایسه شود با سفر خروج ۱۹: ۱-۲۵ و ۲۴: ۳-۱۱).

در طی مراحل مهم تجربه بنی اسرائیل این قوم جهت خواندن پیام خداوند که توسط موسی به آنها الهام شده بود بر جبل سینا در اجتماع مقدسی به دور هم جمع شده بودند. بنابراین یوشع نیز به محض رسیدن به زمین موعود اجتماع مقدسی را برای تجدید عهد با خداوند و استحکام اتحاد مابین دوازده قبیله قوم، بر جبل عیبال بر پا کرد (یوشع ۸: ۳۵).

بعد از تبعید نحیمای نبی نیز مانند موسی (نح ۸: ۲) جهت باز یافتن اتحاد با خداوند و احیای امید نسبت به او در اورشلیم اجتماعی برای بازماندگان قوم برگزید تشکیل می دهد.

به علاوه در عهد قدیم لغت «اکلیزیا» به اجتماع مقدسی اطلاق می شد که جهت برگزاری عید تجلیل از یهوه دعوت می شده اند (و یا طبق گفتار کتاب مقدس «احضار» می شدند)، (خروج ۱۲: ۱۶، لاو ۲۳: ۳). در این مورد نیز هدف این احضار و عید این است که به قوم درباره کبریائی خداوندی که قوم خود را از بردگی رها کرده آن را به سوی زمین موعود رهنمون شده یادآور سازد.

سرانجام خود ریشه این لغت به ما نشان می دهد که کلیسا قومی است مقدس، وقف شده خدا، گردآوری شده به وسیله کلام خداوند، دعوت شده تا در گذر خداوند و در عیدی که به وسیله رستخیز مسیح آغاز شد سهیم شود و قومی که در انتظار بازگشت مسیح با انتقال دادن این «احضار» به همه ملل جهان، به سر می برد.

۳- کلیسا کاتولیک

این کلمه از زبان یونانی که معنای آن «جهانی» و «حقیقی بودن» می باشد اقتباس شده و در مورد کلیسا به کار می رود.

علت استفاده از اصطلاح جهانی به این خاطر است که خداوند تمام مردم جهان را نجات بخشید و عیسی مسیح نیز جان خود را برای همه مردم جهان فدا کرد و روح القدس نیز به نوبه خود در قلب هر شخصی منشاء زندگی می باشد. از این روی کلیسا باید در خدمت همه تمدنها بوده و برای همه شهادت دهد.

علاوه بر آن، کلیسا به وسیله عیسی مسیح به حقیقت پی می برد و از آنجائی که روح القدس در کلیسا متجلی می شود می تواند به راز مسیح نائل گردد.

امروزه اصطلاح «کلیسای کاتولیک» به کلیساهای مختلفی که در تمام دنیا ریشه دوانیده است و بین خود پیوند اتحاد و همبستگی در عیسی مسیح را به وسیله رسالت اسقف روم که جانشین پطرس رسول می باشد، نگاه می دارد، اطلاق می شود. پطرس از جانب مسیح مابین رسولان مسئولیت خطیری را عهده دار بود: ... وقتی برگشتی باید برادرانت را استوار گردانی (لو ۲۲: ۳۲).

* * *

* *

*